

The Impact of Auditor Industry Specialization and Auditor Economic Dependence on the Client on Corporate Sustainability Performance: The Role of the Audit Committee Chair Power¹

AmirAta Alizadeh², Younes Badavar Nahandi³, Mohammadreza Abbasi Astemal⁴, Maryam Erfan Esfanjani⁵

Received: 2025/09/25

Accepted: 2025/10/17

Research Paper

Abstract

Objective: Sustainable corporate performance in creating long-term value for stakeholders requires transparent and reliable reporting that serves as a foundation for informed decision-making and public trust. In this regard, industry-specialized auditing plays a critical role in enhancing the quality of reports, ensuring the accuracy of financial information through thorough and comprehensive analysis. Moreover, the auditor's economic dependence on the client, along with the structure and leadership of the audit committee, are decisive factors significantly affecting the independence and effectiveness of the audit process. This institutional and professional combination establishes a strong foundation for achieving sustainability objectives and long-term value creation. Accordingly, the primary aim of the present study is to examine the impact of auditor industry specialization and the auditor's economic dependence on the client on corporate sustainability performance, considering the moderating role of the audit committee chairman's authority.

Methods: Given its objective, this study falls within applied research. Methodologically, it adopts a descriptive-correlational approach and, in terms of nature, is classified as causal-comparative research. The data collected are quantitative, extracted from corporate audit reports, financial statements, relevant documents, and explanatory notes available in the CODAL system and Rahavard Novin Software. The statistical population includes 151 companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2017 to 2023, encompassing a total of 1,057 observations. To analyze the data and test the hypotheses, a multiple regression method based on panel data was employed.

¹ 10.30466/JFCS.2025.56578.1035

² MSc., Department of Accounting, Seraj Institute of Higher Education, Tabriz, Iran.

³ Associate Professor, Department of Accounting, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding author). (badavarnahandi@iau.ac.ir).

⁴ Assistant Professor, Department of Accounting, Va.C., Islamic Azad University, Varzaghan, Iran.

⁵ MSc., Department of Accounting, Seraj Institute of Higher Education, Tabriz, Iran.

Results: The findings indicate that auditor industry specialization has a significant positive impact on corporate sustainability performance; auditors' deep knowledge and specialized experience in the company's field of activity facilitate improvement in environmental, social, and governance (ESG) indicators, thereby enhancing reporting quality and decision-making processes. In contrast, the auditor's economic dependence on the client did not demonstrate a significant effect on corporate sustainability performance. Furthermore, the audit committee chairman's authority plays a significant moderating role in the relationship between auditor industry specialization and sustainability performance, while no such moderating effect was observed in the relationship between economic dependence and sustainability performance. These results highlight the critical importance of auditor independence and specialization.

Conclusion: Auditor industry specialization plays a highly effective role in enhancing corporate sustainability performance, as specialized knowledge and practical experience improve financial reporting quality and increase transparency. This enables informed, responsible, and long-term decision-making, helping companies balance economic, environmental, and social dimensions. However, evidence suggests that the auditor's economic dependence on the client does not significantly affect sustainability performance, reflecting the presence of complex, multifaceted factors in the auditing process. Moreover, the authority of the audit committee chairman serves a vital supporting role in leveraging auditor specialization to strengthen sustainability performance, underscoring the importance of governance structure and strong leadership in this process.

Innovation: Despite extensive research in auditing and corporate governance, a significant gap remains in studies that simultaneously examine the impact of auditor industry expertise and the auditor's economic dependence on the client on corporate sustainability performance. In most prior research, these variables have been analyzed separately, neglecting their potential interaction. Moreover, the role of moderating governance mechanisms, particularly the power of the audit committee chair, as an influential factor in these relationships has received limited attention. This study, adopting an innovative approach, integrates three key components: auditor industry expertise, the auditor's economic dependence on the client, and the authority of the audit committee chair, to analyze their combined and synergistic effects on corporate sustainability performance. The significance of this approach lies in the fact that simultaneously examining these factors can lead to a deeper and more comprehensive understanding of the mechanisms affecting corporate sustainability, providing a more realistic depiction of governance dynamics.

Keywords: Auditor Industry Specialization, Auditor Economic Dependence on the Client, Corporate Sustainability Performance, Audit Committee Chair Power.



تأثیر تخصصی حسابرس در صنعت و وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار بر عملکرد پایداری شرکت: نقش قدرت رئیس کمیته حسابرسی^۱

امیر عطا علی زاده^۲، یونس بادآور نهندي^۳، محمدرضا عباسی استمال^۴، مریم عرفان اسفنجانی^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف: عملکرد پایدار شرکت‌ها در خلق ارزش بلندمدت برای ذی‌نفعان مستلزم گزارشگری شفاف و قابل اعتماد است که بتواند مبنای تصمیم‌گیری آگاهانه و اعتماد عمومی را فراهم آورد. در این راستا، حسابرسی با تخصص در صنعت، نقش کلیدی در ارتقای کیفیت گزارش‌ها ایفا می‌کند و با تحلیل دقیق و جامع، اطمینان از صحت اطلاعات مالی را تضمین می‌سازد. همچنین، میزان اتکای اقتصادی به صاحبکار و ساختار و رهبری کمیته حسابرسی، به عنوان عوامل تعیین‌کننده، تأثیر بسزایی بر استقلال و اثرگذاری فرایند حسابرسی دارند. این ترکیب نهادی و تخصصی، پایه‌ای قوی برای تحقق اهداف پایداری و ارزش آفرینی بلندمدت ایجاد می‌کند. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت و وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار بر عملکرد پایداری شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیلی قدرت رئیس کمیته حسابرسی است.

روش: پژوهش حاضر با توجه به هدف، در دسته مطالعات کاربردی قرار دارد. از نظر روش شناخت، این مطالعه رویکردی توصیفی-همبستگی داشته و از لحاظ ماهیت در گروه مطالعات علی-پس‌رویدادی طبقه‌بندی می‌شود. داده‌های گردآوری شده کمی بوده و از طریق گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها، صورت‌های مالی، مستندات مرتبط و یادداشت‌های توضیحی موجود در سامانه کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده‌اند. جامعه آماری شامل ۱۵۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ است که در مجموع ۱۰۵۷ مشاهده را در بر می‌گیرد. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها،

¹ 10.30466/JFCS.2025.56578.1035

² کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی سراج، تبریز، ایران.

³ دانشیار، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول). (badavarnahandi@iau.ac.ir).

⁴ استادیار، گروه حسابداری، واحد ورزقان، دانشگاه آزاد اسلامی، ورزقان، ایران.

⁵ کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی سراج، تبریز، ایران.

از روش رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تخصص حسابرس در صنعت تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارد؛ به گونه‌ای که دانش عمیق و تجربه تخصصی حسابرس در حوزه فعالیت شرکت، زمینه‌ساز ارتقای شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌شود و بهبود کیفیت گزارش‌دهی و تصمیم‌گیری را تسهیل می‌کند. در مقابل، وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار تأثیر معناداری بر عملکرد پایداری شرکت نشان نداده است. علاوه بر این، قدرت رئیس کمیته حسابرسی نقش تقویت‌کننده و معناداری در رابطه میان تخصص حسابرس در صنعت و عملکرد پایداری شرکت ایفا می‌کند، در حالی که چنین تأثیری در رابطه وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار مشاهده نشده است، که اهمیت استقلال و تخصص حسابرس را برجسته می‌سازد.

نتیجه‌گیری: تخصص حسابرس در صنعت نقش بسیار مؤثری در ارتقای عملکرد پایداری شرکت‌ها ایفا می‌کند، زیرا دانش تخصصی و تجربه عملی حسابرس موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش شفافیت اطلاعات می‌شود. این امر امکان اتخاذ تصمیم‌گیری‌های بلندمدت، مسئولانه و متکی بر داده‌های دقیق را فراهم ساخته و شرکت‌ها را در دستیابی به توازن میان ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی یاری می‌دهد. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار تأثیر قابل‌توجهی بر عملکرد پایداری ندارد و بیانگر وجود عوامل پیچیده و چندلایه در فرایند حسابرسی است. همچنین، قدرت رئیس کمیته حسابرسی نقش حمایتی اساسی در بهره‌گیری مؤثر از تخصص حسابرس برای تقویت عملکرد پایداری ایفا می‌کند که اهمیت ساختار حاکمیتی و رهبری قوی را در این مسیر نمایان می‌سازد.

نوآوری: با وجود مطالعات گسترده در زمینه حسابرسی و حاکمیت شرکتی، هنوز خلأ قابل‌توجهی در پژوهش‌هایی مشاهده می‌شود که به صورت هم‌زمان تأثیر تخصص حسابرس در صنعت و وابستگی اقتصادی او به صاحبکار را بر عملکرد پایداری شرکت‌ها بررسی کنند. در بیشتر تحقیقات پیشین، این متغیرها به‌طور مجزا تحلیل شده و از تعامل میان آن‌ها غفلت شده است. افزون بر این، نقش سازوکارهای حاکمیتی تعدیلگر، به‌ویژه قدرت رئیس کمیته حسابرسی، به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در روابط یادشده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی نوآورانه، به تلفیق سه مؤلفه کلیدی یعنی تخصص حسابرس در صنعت، وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار و قدرت رئیس کمیته حسابرسی می‌پردازد تا اثر ترکیبی و هم‌افزای آن‌ها را بر عملکرد پایداری شرکت‌ها تحلیل کند. اهمیت این رویکرد در آن است که بررسی هم‌زمان این عوامل می‌تواند به درک عمیق‌تر و جامع‌تری از سازوکارهای مؤثر بر پایداری شرکت‌ها منجر شود و تصویری واقعی‌تر از پویایی‌های حاکمیتی ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: تخصص حسابرس در صنعت، وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار، عملکرد پایداری شرکت، قدرت رئیس کمیته حسابرسی.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، عملکرد پایداری شرکت‌ها به‌عنوان شاخصی فراتر از معیارهای مالی، به معیاری اساسی در سنجش موفقیت سازمان‌ها تبدیل شده است؛ به‌ویژه آن‌که الزامات زیست‌محیطی، مسئولیت‌های اجتماعی و اصول حاکمیتی در مرکز توجه پژوهش‌های مالی و حسابداری و ذی‌نفعان قرار دارند (کیوزی و همکاران^۱، ۲۰۲۳؛ ست و ساکسنا^۲، ۲۰۲۵). در این زمینه، گزارش‌های پایداری به‌منزله ابزاری کلیدی برای تحقق مسئولیت‌پذیری شرکتی، نیازمند شفافیت، اتکاپذیری و کیفیت بالا هستند. یکی از عوامل مؤثر بر این کیفیت، «تخصص حسابرس در صنعت» است؛ زیرا حسابرسی که از شناخت عمیق نسبت به ویژگی‌های خاص هر صنعت برخوردار باشد، قادر است ارزیابی‌های دقیق‌تری از عملکرد مالی و غیرمالی ارائه دهد، انحرافات را به‌موقع شناسایی کرده و دقت و اعتبار گزارش‌ها را ارتقا بخشد (کورنیاسیه و کیسوانتو^۳، ۲۰۱۹؛ فارومی و همکاران^۴، ۲۰۲۳؛ آل سنصله و همکاران^۵، ۲۰۲۵).

با این حال، افزایش وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار، به‌ویژه در صورت دریافت حق‌الزحمه بالا یا روابط بلندمدت، استقلال حرفه‌ای وی را به خطر می‌اندازد و احتمال تساهل در گزارشگری را افزایش می‌دهد (اسماعیل و همکاران^۶، ۲۰۲۲؛ کیوزی و همکاران، ۲۰۲۳). چنین وضعیتی می‌تواند اعتبار و اتکاپذیری گزارش‌های پایداری را تضعیف کند؛ از این‌رو، حفظ استقلال حسابرس برای ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی سازمان‌ها ضروری است. ساختار حاکمیتی شرکت‌ها، به‌ویژه نقش نظارتی کمیته حسابرسی، نیز بر کیفیت فرایند حسابرسی تأثیرگذار است. قدرت، دانش تخصصی و استقلال رئیس کمیته حسابرسی از عوامل کلیدی در ارتقای اثربخشی این کمیته محسوب می‌شوند. یک رئیس مستقل با دانش مالی و تجربه مدیریتی کافی می‌تواند نفوذ مدیریت را کنترل و روابط ناسالم اقتصادی میان حسابرس و صاحبکار را ممانعت کند (توموبازه و همکاران، ۲۰۲۲؛ المطری، ۲۰۲۲؛ آلودات و همکاران، ۲۰۲۳؛ فیاد و همکاران، ۲۰۲۴). این امر شفافیت اطلاعاتی و حاکمیت شرکتی را تقویت می‌کند. افزایش شفافیت در گزارش‌های پایداری، ارزش شرکت‌ها در بازار سرمایه را ارتقا داده، هزینه‌های تأمین مالی را کاهش و اعتماد سرمایه‌گذاران را

¹ Kuzey et al.

² Seth & Saxena

³ Kurniasih & Kiswanto

⁴ Farumi et al.

⁵ Al Sanasleh et al.

⁶ Ismail et al.

افزایش می‌دهد (دیمیتروپولوس^۱، ۲۰۲۵). در چنین زمینه‌ای، تحلیل سازوکارهایی مانند تخصص حسابرس و کیفیت عملکرد کمیته حسابرسی برای سیاست‌گذاران، مدیران و ناظران مالی اهمیت راهبردی دارد؛ زیرا ارتقای کیفیت افشا ضمن تقویت پاسخ‌گویی و اعتماد عمومی، زمینه‌ساز توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی خواهد بود.

پژوهش‌های متعددی به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر عملکرد پایداری پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، تحقیق کریم و همکاران^۲ (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که اندازه و استقلال کمیته حسابرسی با بهبود عملکرد بازار و مالی بانک‌ها ارتباط دارد. همچنین، پوتری و همکاران^۳ (۲۰۲۳) بیان کرده‌اند که تخصص اعضای کمیته حسابرسی نقش مؤثری در افشای عملکرد پایداری دارد، اگرچه یافته‌های آن‌ها در صنعت معدن اندونزی چندان قوی نبوده‌اند. در حوزه تخصص حسابرس، مطالعات نشان داده‌اند که حسابرسان متخصص در صنعت می‌توانند کیفیت گزارشگری مالی و پایداری را بهبود بخشند (آل سنصله و همکاران، ۲۰۲۵). در حالی که وابستگی اقتصادی حسابرس، به‌ویژه در شرایطی با حق‌الزحمه‌های بالا یا رابطه بلندمدت، تهدیدی برای استقلال حسابرسی محسوب می‌شود (کیوزی و همکاران، ۲۰۲۳).

با وجود مطالعات گسترده در زمینه حسابرسی و حاکمیت شرکتی، هنوز خلأ قابل توجهی در پژوهش‌هایی مشاهده می‌شود که به‌صورت هم‌زمان تأثیر تخصص حسابرس در صنعت و وابستگی اقتصادی او به صاحبکار را بر عملکرد پایداری شرکت‌ها بررسی کنند. در بیشتر تحقیقات پیشین، این متغیرها به‌طور مجزا تحلیل شده و از تعامل میان آن‌ها غفلت شده است. افزون بر این، نقش سازوکارهای حاکمیتی تعدیلگر، به‌ویژه قدرت رئیس کمیته حسابرسی، به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در روابط یادشده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی نوآورانه، به تلفیق سه مؤلفه کلیدی یعنی تخصص حسابرس در صنعت، وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار و قدرت رئیس کمیته حسابرسی می‌پردازد تا اثر ترکیبی و هم‌افزایی آن‌ها را بر عملکرد پایداری شرکت‌ها تحلیل کند. اهمیت این رویکرد در آن است که بررسی هم‌زمان این عوامل می‌تواند به درک عمیق‌تر و جامع‌تری از سازوکارهای مؤثر بر پایداری شرکت‌ها منجر شود و تصویری واقعی‌تر از پویایی‌های حاکمیتی ارائه دهد. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت و وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار بر عملکرد پایداری شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیلی قدرت رئیس کمیته حسابرسی است. سؤال اساسی پژوهش این است که تخصص

¹ Dimitropoulos

² Karim et al.

³ Putri et al.

حسابرس در صنعت و وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار چه تأثیری بر عملکرد پایداری شرکت دارند و قدرت رئیس کمیته حسابرسی در این رابطه نقش تعدیلی ایفا می‌کند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تخصص حسابرس در صنعت به‌عنوان یک قابلیت کلیدی و متمایز، نقشی بنیادین در ارتقای کیفیت و اثربخشی فرایند حسابرسی ایفا می‌کند. این تخصص حاصل تجربه‌های مکرر و تعامل مستمر حسابرسان با واحدهای اقتصادی در یک صنعت خاص است که منجر به درک عمیق از مقررات ویژه، ساختار هزینه، ریسک‌ها و فرایندهای مالی آن صنعت می‌شود. چنین دانشی، دقت حسابرسان را در شناسایی تحریف‌ها و خطاهای احتمالی افزایش داده و در نتیجه، به بهبود شفافیت و صحت گزارش‌های مالی منجر می‌گردد (گاور و اوتکه^۱، ۲۰۲۱؛ پتروف و استوکن^۲، ۲۰۲۲). حسابرسان متخصص با شناخت کامل از ریسک‌های خاص هر صنعت، می‌توانند فرایند برنامه‌ریزی و اجرای حسابرسی را بهینه‌سازی کنند؛ امری که ضمن صرفه‌جویی در زمان و منابع، موجب ارتقای کیفیت نتایج نهایی می‌شود (ویلیامز و کنچل^۳، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، عملکرد پایداری شرکت که سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را شامل می‌شود، ابزاری برای سنجش میزان تعهد شرکت‌ها به اهداف توسعه پایدار و پاسخگویی به ذی‌نفعان است (پازینزا و همکاران^۴، ۲۰۲۲). بنای اصلی این رویکرد، اصل سه‌جانبه‌گرایی^۵ است که بر تعادل میان سودآوری، مسئولیت اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست تأکید دارد (کوهن^۶، ۲۰۱۸). همچنین، مدیریت اثربخش ذی‌نفعان و استفاده پایدار از منابع، از مؤلفه‌های حیاتی عملکرد پایداری محسوب می‌شوند که بر تعامل سازنده سازمان با جامعه و حفظ ظرفیت‌های زیست‌محیطی تأکید دارند (ماریاپانادار^۷، ۲۰۲۰؛ مفتاهادی و همکاران^۸، ۲۰۲۲). در این میان، رابطه میان تخصص حسابرس در صنعت و عملکرد پایداری شرکت‌ها از منظرهای مختلفی قابل بررسی است. نخست آنکه حسابرسان متخصص، با شناخت دقیق ریسک‌های ناشی از اجرای سیاست‌های پایداری، می‌توانند این ریسک‌ها را در فرایند حسابرسی لحاظ کرده و از این طریق اعتماد ذی‌نفعان را نسبت به گزارش‌های مالی و پایداری افزایش دهند (سانوران^۹، ۲۰۲۲). افزون بر این، تخصص‌گرایی حسابرس موجب

¹ Gaver & Utke

² Petrov & Stocken

³ Williams & Knechel

⁴ Paziienza et al.

⁵ Triple Bottom Line

⁶ Kühnen

⁷ Mariappanadar

⁸ Miftahadi et al.

⁹ Sanoran

تقویت اعتبار و اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های حسابرسی شده و در نتیجه، ارزیابی مثبت‌تر بازار و کاهش هزینه سرمایه را در پی دارد (گو و همکاران^۱، ۲۰۲۱). همچنین حسابرسان متخصص، با استفاده از دانش فنی خود، در نظارت بر رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و اجتماعی نقش تسهیل‌گر دارند و با شناسایی دقیق کاستی‌ها و نقاط ضعف، به ارتقای شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها کمک می‌کنند (سامبوآگا^۲، ۲۰۲۴). با این حال، تمرکز بیش از حد بر یک صنعت می‌تواند چالش‌هایی ایجاد کند؛ از جمله افزایش هزینه‌ها و تأخیر در ارائه گزارش‌ها، به‌ویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط (اسماعیل و همکاران، ۲۰۲۲؛ یون^۳، ۲۰۲۴). افزون بر این، تخصص‌گرایی بیش از اندازه ممکن است استقلال حرفه‌ای حسابرسان را کاهش داده و به همگرایی رویه‌ها و افت خلاقیت و نوآوری منجر شود (بلای و همکاران^۴، ۲۰۲۲). بنابراین، در راستای تحقق اهداف پایداری و کارایی حسابرسی، ضروری است نهادهای ناظر و سازمان‌ها با اتخاذ رویکردی راهبردی، ضمن بهره‌گیری بهینه از تخصص حسابرسان صنعتی، کیفیت، استقلال و به‌هنگامی گزارش‌های حسابرسی را حفظ کنند (نوویتارینی و همکاران^۵، ۲۰۲۴). با توجه به مباحث مطرح‌شده، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: تخصص حسابرس در صنعت تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارد.

مفهوم استقلال حسابرس یکی از اصول بنیادین و حیاتی حرفه حسابرسی است که تضمین‌کننده صحت، بی‌طرفی و اعتبار گزارش‌های حسابرسی به‌شمار می‌رود. با این حال، وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی، تهدیدی جدی برای این اصل محسوب می‌شود (هروستیا و ناتالی^۶، ۲۰۲۱). این وابستگی زمانی رخ می‌دهد که بخش عمده‌ای از درآمد مؤسسه حسابرسی از یک یا چند صاحبکار محدود تأمین شود؛ وضعیتی که نه تنها در ارائه خدمات حسابرسی بلکه در خدمات غیرحسابرسی مانند مشاوره مالیاتی، فناوری اطلاعات و سایر خدمات مشاوره‌ای نیز مشاهده می‌گردد و در نتیجه، روابط مالی چندلایه و پیچیده‌ای میان حسابرس و صاحبکار شکل می‌گیرد (احمد و همکاران^۷، ۲۰۲۲؛ بلو و اوگونگبنله^۸، ۲۰۲۳). چنین شرایطی استقلال ذهنی و ظاهری حسابرس را تحت فشار قرار داده و احتمال صدور گزارش‌های مطلوب‌گرایانه را افزایش می‌دهد؛ امری که نهایتاً به کاهش کیفیت حسابرسی منجر

¹ Guo et al.

² Sambuaga

³ Yun

⁴ Blay et al.

⁵ Novitarini et al.

⁶ Herusetya & Natalie

⁷ Ahmed et al.

⁸ Bello & Ogungbenle

می‌شود (متوسل و همکاران، ۱۴۰۰؛ هروستیا و ناتالی، ۲۰۲۱). در این میان، عملکرد پایداری شرکت‌ها که ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و حکمرانی را دربر می‌گیرد، به‌عنوان شاخصی نوین در ارزیابی عملکرد سازمان‌ها اهمیت روزافزونی یافته است. شرکت‌هایی که عملکرد پایداری قوی دارند، افزون بر سودآوری اقتصادی، به مسئولیت‌های اجتماعی و محیط‌زیستی خود متعهدند و در این مسیر، گزارشگری مالی دقیق و حسابرسی مستقل نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای شفافیت و اعتماد ذی‌نفعان ایفا می‌کند. رابطه میان وابستگی اقتصادی حسابرس و عملکرد پایداری شرکت‌ها، رابطه‌ای چندبعدی و دوگانه است؛ از یک سو، وابستگی شدید موجب کاهش استقلال حسابرس و در نتیجه تضعیف کیفیت گزارش‌های پایداری، پنهان‌کاری در افشای ریسک‌های زیست‌محیطی و اجتماعی، و در نهایت کاهش اعتبار عملکرد پایداری می‌شود (متوسل و همکاران، ۱۴۰۰؛ لام و همکاران^۱، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، برخی شواهد نشان داده‌اند که وابستگی اقتصادی می‌تواند به شناخت بیشتر حسابرس از فعالیت‌های صاحبکار و در شرایط مطلوب به بهبود کیفیت حسابرسی و گزارش‌های پایداری منجر گردد (دریسکیل و همکاران^۲، ۲۰۲۲). با این حال، ابعاد گوناگون این وابستگی از جمله تمرکز منبع درآمد بر کارفرمایان عمده، ارائه همزمان خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی و استمرار روابط بلندمدت، زمینه ایجاد تعارض منافع و کاهش تمایل حسابرس به افشای مسائل مربوط به پایداری را فراهم می‌کند؛ موضوعی که در شرکت‌های خانوادگی و بازارهای کوچک نمود پررنگ‌تری دارد (رحمان و همکاران^۳، ۲۰۲۴؛ جی و همکاران^۴، ۲۰۲۴). در چنین شرایطی، نه‌تنها کیفیت حسابرسی بلکه انگیزه برای تغییر حسابرس نیز کاهش می‌یابد و رقابت در بازار خدمات حسابرسی تضعیف می‌شود (احمد و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر این، وابستگی اقتصادی حسابرس تأثیر منفی بر رقابت میان مؤسسات حسابرسی دارد و باعث کاهش تمایل به تغییر حسابرس می‌گردد؛ موضوعی که می‌تواند به کاهش کیفیت حسابرسی و دقت گزارش‌های عملکرد پایداری منجر شود (هروستیا و ناتالی، ۲۰۲۱). در مقابل، شرکت‌هایی که از عملکرد پایداری قوی برخوردارند، معمولاً خواهان حسابرسی مستقل‌تر و گزارشگری شفاف‌ترند تا اعتماد بازار و ذی‌نفعان را حفظ کنند، اما این هدف در بستر وابستگی اقتصادی حسابرس با چالش مواجه می‌شود (رحمان و همکاران، ۲۰۲۴). در نهایت، با توجه به افزایش حساسیت سرمایه‌گذاران و بازارهای مالی نسبت به عملکرد پایداری شرکت‌ها، شناخت عمیق ابعاد وابستگی اقتصادی حسابرس و پیامدهای آن بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری پایداری از اهمیت بسزایی برخوردار است. این شناخت می‌تواند پایه‌ای علمی و کاربردی برای

¹ Lam et al.

² Driskill et al.

³ Rahman et al.

⁴ Ji et al.

تدوین سیاست‌ها و چارچوب‌های نظارتی مؤثر فراهم آورد که هدف آن کاهش وابستگی‌های اقتصادی زیان‌بار، تقویت استقلال حسابرس، ارتقای شفافیت و بهبود پایداری شرکت‌ها باشد (متوسل و همکاران، ۱۴۰۰؛ خلیل و همکاران^۱، ۲۰۲۳). با توجه به مباحث مطرح‌شده، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه دوم: وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارد.

قدرت رئیس کمیته حسابرسی که ناشی از مؤلفه‌هایی همچون تخصص مالی، استقلال حرفه‌ای، تجربه مدیریتی و توانایی ایجاد و بهره‌گیری از شبکه‌های ارتباطی است، نقش محوری در شکل‌دهی ساختارهای نظارتی مؤثر و ارتقای عملکرد پایداری شرکت‌ها دارد. تحقیقات حاکمیت شرکتی نشان می‌دهند که این قدرت، علاوه بر بهبود کیفیت فرایندهای نظارتی، از طریق تأثیر بر سازوکارهای کنترلی و ارزیابی مالی، رابطه میان تخصص حسابرس در صنعت و عملکرد پایداری شرکت را نیز تقویت می‌کند (لطفی و همکاران^۲، ۲۰۲۲؛ آل نعیم^۳، ۲۰۲۵). به‌ویژه، تخصص مالی رؤسای کمیته حسابرسی به‌عنوان تسهیل‌گر کلیدی در تحلیل و تفسیر اطلاعات مالی عمل می‌کند؛ افرادی با این دانش قادرند داده‌ها را عمیق‌تر ارزیابی و نظارت بر افشاکاری مالی را بهبود بخشند. چنین رویکردی موجب افزایش شفافیت، اعتماد عمومی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و عملکرد پایدار شرکت را تقویت می‌کند (ریدنباخ^۴، ۲۰۲۲؛ برویه و جوهانس^۵، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، رؤسایی که از استقلال حرفه‌ای برخوردارند، با شناسایی تهدیدات علیه استقلال حسابرس و پایبندی به اصول اخلاقی، کیفیت حسابرسی را ارتقا داده و خطرات مالی شرکت را کاهش می‌دهند. این استقلال، نفوذ مدیریت را محدود کرده و امکان بهره‌برداری مؤثرتر از تخصص حسابرس در صنعت را فراهم می‌سازد (الشمری و همکاران^۶، ۲۰۲۴؛ کوله‌بک و وانگ^۷، ۲۰۲۵). با این حال، باید توجه داشت که تمرکز بیش از حد قدرت در شخص رئیس می‌تواند منجر به تضعیف روحیه مشارکتی در کمیته شود و به بروز ساختارهای غیرکارآمد و سلطه‌محور بیانجامد که کارایی نظارت جمعی را کاهش می‌دهد (لا گرانج و همکاران^۸، ۲۰۲۱). از منظر رابطه میان تخصص حسابرس در صنعت و عملکرد پایداری شرکت، نقش رئیس

¹ Khaleel et al.

² Lutfi et al.

³ Al Naim

⁴ Reidenbach

⁵ Broye & Johannes

⁶ Alshamry et al.

⁷ Kohlbeck & Wang

⁸ La Grange et al.

کمیته حسابرسی زمانی اهمیت مضاعف می‌یابد که وی علاوه بر ویژگی‌های پیش‌گفته، دارای شناخت تخصصی از صنعت فعالیت شرکت نیز باشد. در چنین شرایطی، رئیس قادر است به عنوان نقش واسطه‌ای مؤثر، ظرفیت‌های تخصصی حسابرس را به‌درستی شناسایی و هدایت کند و از آن در جهت تقویت عملکرد پایداری استفاده نماید (سانتوس و همکاران^۱، ۲۰۲۳). افزون بر آن، رئیس آگاه به صنعت می‌تواند با درک بهتر از فرایندها و مخاطرات خاص آن حوزه، ارتباط‌های پنهان میان حسابرس و صاحبکار را کشف کرده و از این طریق استقلال حرفه‌ای حسابرس را حفظ نماید؛ موضوعی که تأثیر مستقیمی بر دقت گزارش‌های مالی، کاهش نفوذ مدیریتی، افزایش شفافیت و در نهایت ارتقاء عملکرد پایداری شرکت دارد (سوانی^۲، ۲۰۲۱؛ سرت^۳، ۲۰۲۴؛ الشمری و همکاران، ۲۰۲۴). با توجه به مباحث مطرح‌شده، فرضیه سوم پژوهش به‌صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه سوم: قدرت رئیس کمیته حسابرسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و عملکرد پایداری شرکت را تقویت می‌کند.

قدرت رئیس کمیته حسابرسی نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای در کنترل پیامدهای ناشی از وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار دارد و مستقیماً بر عملکرد پایداری شرکت تأثیرگذار است. وابستگی اقتصادی حسابرس، به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی در حسابرسی، می‌تواند تضاد منافع ایجاد کرده و کیفیت گزارش‌های مالی را کاهش دهد که به تبع آن، عملکرد پایداری شرکت را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این زمینه، رئیس کمیته حسابرسی با برخورداری از قدرت و اختیار کافی، می‌تواند مداخلات لازم را برای پیشگیری از چنین وابستگی‌هایی انجام دهد و اثرات زیانبار آن را به حداقل برساند. این قدرت امکان نظارت مستمر، جامع و دقیق بر فرایند حسابرسی را فراهم می‌کند و حسابرسان را ملزم به رعایت کامل استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی می‌سازد، به گونه‌ای که استقلال و بی‌طرفی آنان حفظ شده و گزارش‌های مالی با شفافیت و اعتبار بالا ارائه شوند. شفافیت و دقت در گزارش‌دهی، زمینه اتخاذ تصمیم‌های راهبردی مبتنی بر اصول پایداری شرکت را فراهم می‌کند و نهایتاً موجب بهبود عملکرد پایداری شرکت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌شود. بدین ترتیب، قدرت رئیس کمیته حسابرسی عاملی کلیدی در تضمین کیفیت حسابرسی و ارتقای پایداری شرکت است (آل‌نعیم، ۲۰۲۵؛ کوله‌بک و وانگ، ۲۰۲۵). علاوه بر نقش قدرت، استقلال حرفه‌ای و تجارب عملی رئیس کمیته حسابرسی نقش حیاتی در ارتقاء کیفیت نظارت و کاهش وابستگی اقتصادی حسابرس ایفا می‌کند. رؤسای دارای دانش تخصصی و مهارت‌های

¹ Santos et al.

² Sawani

³ Sert

حرفه‌ای قادر به اتخاذ رویکردهای نظام‌مند و مبتنی بر استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی هستند و می‌توانند حسابرسان را ملزم به رعایت دقیق این استانداردها کنند. این رویکرد از تخلفات و فشارهای ناشی از وابستگی‌های اقتصادی جلوگیری می‌کند، کیفیت گزارش‌های مالی را افزایش می‌دهد و ریسک‌های عملکرد نامطلوب شرکت را کاهش می‌دهد که در نهایت موجب حفظ و تقویت عملکرد پایدار و مستمر شرکت می‌گردد (تانی و اسمیت^۱، ۲۰۱۵؛ المطری، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، نظارت فعال، پویا و مداوم رئیس کمیته حسابرسی به‌عنوان جزئی حیاتی از ساختار حاکمیت شرکتی، تهدیدهای ناشی از ضعف استقلال حسابرسی را کاهش داده و اعتماد بازار، سهامداران و سایر ذی‌نفعان به گزارش‌های مالی را تقویت می‌کند. این اعتماد زمینه ارائه گزارش‌های دقیق و واقعی توسط حسابرس را بدون تأثیرپذیری مالی از صاحبکار فراهم می‌سازد و صحت و سلامت مالی شرکت را به‌درستی منعکس می‌کند. در نتیجه، عملکرد پایدار شرکت حفظ و ارتقاء یافته و مسیر تحقق اهداف توسعه پایدار و رشد بلندمدت با ثبات و کارآمدی بیشتری طی می‌شود (خماخم و فونتین^۲، ۲۰۱۹؛ سانتوس و همکاران، ۲۰۲۳). با توجه به مباحث مطرح‌شده، فرضیه چهارم پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه چهارم: قدرت رئیس کمیته حسابرسی رابطه بین وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار و عملکرد پایداری شرکت را تضعیف می‌کند.

در ادامه به پیشینه‌های مرتبط با موضوع پرداخته شده است. ولی‌زاده لاریجانی (۱۴۰۴) نشان داد که بین تخصص حسابرس در صنعت و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی مستقل رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با این حال، معاملات با اشخاص وابسته این رابطه منفی را تضعیف می‌کند. ثابت کوشکی نیان (۱۴۰۳) در پژوهش خود به وجود رابطه بین مالکیت نهادی و عملکرد پایداری شرکتی اشاره دارد. همچنین، نتایج این مطالعه بیانگر وجود رابطه مثبت بین کیفیت حسابرسی و عملکرد پایداری شرکت و نیز وجود رابطه بین تخصص کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت می‌باشد. افسای (۱۴۰۳) دریافت که تخصص مالی رؤسای کمیته حسابرسی با افزایش حق‌الزحمه حسابرسی و بهبود کیفیت آن همراه است. هرچند، رابطه معناداری بین تجربه رئیس کمیته با انتخاب حسابرس و میزان حق‌الزحمه شناسایی نشد، اما تجربه رئیس کمیته با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری داشت. مطالعه متوسل و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد که وابستگی اقتصادی حسابرس تأثیر منفی و معناداری بر اقلام تعهدی اختیاری، اثر مثبت و معناداری بر ثبات سود و اثر منفی و معناداری بر هموارسازی سود دارد. در عین حال، بین وابستگی اقتصادی حسابرس و قابلیت پیش‌بینی سود

¹ Tanyi & Smith

² Khemakhem & Fontaine

رابطه‌ای مشاهده نشد. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که دانش اعضای هیئت مدیره می‌تواند رابطه میان وابستگی اقتصادی حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی را تعدیل کند. محمدی و کوهساریان (۱۴۰۲) دریافتند که استقلال رئیس کمیته حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر افشای مسئولیت‌های اجتماعی دارد. علاوه بر این، دوره تصدی و تخصص رئیس کمیته نیز با افشای مسئولیت‌های اجتماعی رابطه مثبت و معناداری دارند. کنعانی و اکبری‌پور دیزج (۱۴۰۱) به وجود رابطه مثبت بین پذیرش صاحبکار جدید و کیفیت حسابرسی اشاره کردند. این یافته بیانگر آن است که در صورت پذیرش صاحبکار جدید، کیفیت حسابرسی بهبود می‌یابد. همچنین، بین پذیرش صاحبکار جدید و تخصص حسابرس در صنعت نیز رابطه مثبت و معناداری گزارش شده است. مطالعه متوسل و همکاران (۱۴۰۰) حاکی از آن است که حق‌الزحمه واقعی حسابرس تأثیر مثبت و معناداری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت دارد؛ تأثیری که در تمام ابعاد نظریه ذی‌نفعان قابل مشاهده است. با این حال، پرداخت حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و وابستگی اقتصادی حسابرس به شرکت، اثری منفی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی داشته و موجب تضعیف رعایت حقوق ذی‌نفعان می‌شود. خوشکار و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند که درماندگی مالی تأثیر معناداری بر تأخیر در گزارش حسابرسی ندارد. همچنین، تخصص حسابرس در صنعت رابطه میان درماندگی مالی و تأخیر گزارش حسابرسی را به صورت معکوس تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی که تنوع صاحبکاران تأثیری مثبت بر این رابطه دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که اندازه مؤسسه حسابرسی تأثیر معناداری بر این رابطه ندارد. زمانی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که استقلال، تخصص اعضا و اندازه کمیته حسابرسی همگی تأثیر مثبت و معناداری بر گزارشگری پایداری شرکت‌ها دارند. هندایاتی و همکاران^۱ (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای نشان دادند که میان گزارش‌های اطمینان‌بخشی پایداری و عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی^۲، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین، نتایج حاکی از آن است که وجود کمیته‌های پایداری با بهبود عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در شرکت‌ها مرتبط است. علاوه بر این، در شرکت‌هایی که توسط چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی^۳ بررسی می‌شوند، تنوع جنسیتی در ترکیب هیئت مدیره با عملکرد پایداری رابطه مثبت دارد. مهسینا و همکاران^۴ (۲۰۲۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که اثربخشی کمیته حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت ریسک دارد. با این حال، اثر اثربخشی این کمیته بر عملکرد پایداری شرکت، از نظر آماری معنادار نبوده است. ژانگ و گوئو^۵ (۲۰۲۴) در پژوهشی نشان دادند

^۱ Handayati et al.

^۲ Environmental, Social, and Governance (ESG)

^۳ Deloitte, EY, KPMG & PwC (Big 4)

^۴ Mahsina et al.

^۵ Zhang & Guo

که عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تأثیر معناداری در کاهش تأخیر حسابرسی دارد. همچنین، تأثیر مثبت عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر کارایی حسابرسی در شرکت‌هایی با سطح بالاتر اقدامات عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، به‌ویژه در شرکت‌های غیردولتی با مالکیت نهادی کمتر و شرکت‌هایی که توسط چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی بررسی می‌شوند، برجسته‌تر است. لی و همکاران^۱ (۲۰۲۳) وجود رابطه مثبت بین تشکیل کمیته پایداری و عملکرد زیست‌محیطی شرکت را تأیید می‌کنند. علاوه بر این، اثربخشی کمیته پایداری نیز با عملکرد زیست‌محیطی ارتباط مثبت و معناداری دارد که نشان‌دهنده نقش مؤثر ترکیب و عملکرد این کمیته در ارتقاء عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها است. زاهد و همکاران^۲ (۲۰۲۲) معتقدند که عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌ها (برحسب بازده دارایی‌ها) دارد. همچنین، این تأثیر منفی در شرکت‌هایی که توسط چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی تأیید شده‌اند، شدیدتر و نمایان‌تر است. با این حال، نتایج حاکی از آن است که عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تأثیر مثبت و معناداری بر درآمد شرکت‌ها دارد، به‌گونه‌ای که بیانگر تمایل بیشتر مشتریان به تعامل با شرکت‌هایی است که در حوزه عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی سرمایه‌گذاری می‌کنند. زمان و همکاران^۳ (۲۰۲۱) بیان نمودند که ویژگی‌هایی نظیر استقلال اعضا، تخصص صنعتی یا بازاری و حضور منظم در جلسات، موجب ارتقاء کیفیت اطمینان‌بخشی گزارش‌های پایداری می‌شوند؛ این در حالی است که اندازه کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر این کیفیت ندارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ترکیب مناسب و عملکرد مؤثر کمیته حسابرسی می‌تواند از طریق بهبود کیفیت اطمینان‌بخشی گزارش‌های پایداری، به کاهش تعارضات میان ذی‌نفعان و مدیریت کمک کند. بوآلای و العجمی^۴ (۲۰۲۰) در پژوهش خود تأکید نمودند که بین تخصص مالی اعضای هیئت مدیره و گزارشگری پایداری شرکت‌ها، رابطه‌ای منفی وجود دارد. در مقابل، استقلال اعضا و تعداد دفعات برگزاری جلسات نقش مثبتی در میزان افشای اطلاعات پایداری ایفا می‌کنند. علاوه بر این، نوع حسابرس نیز با گزارشگری پایداری شرکتی رابطه‌ای مثبت دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی و از حیث روش‌شناخت و ماهیت در دسته پژوهش‌های توصیفی-همبستگی و علی-رویدادی قرار دارد. همچنین، با توجه به نوع داده‌ها، این پژوهش

^۱ Li et al.

^۲ Zahid et al.

^۳ Zaman et al.

^۴ Buallay & Al-Ajmi

کمی است. روش گردآوری اطلاعات این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع علمی نظیر کتب، مجلات و مقالات انجام شده است. همچنین، روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش، اسنادکاوی بوده و اطلاعات مورد نیاز از منابعی همچون گزارش‌های حسابرسی، فعالیت هیئت مدیره، صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی استخراج شده‌اند. این اطلاعات عمدتاً از آرشیو بورس اوراق بهادار تهران (سایت کدال) و نرم‌افزار ره‌آورد نوین به دست آمده‌اند. پس از گردآوری داده‌ها، محاسبات با استفاده از نرم‌افزار اکسل انجام شد و تحلیل‌ها به روش رگرسیون چندگانه و با بهره‌گیری از نرم‌افزار استاتا صورت گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ است. برای انتخاب نمونه آماری، ابتدا تمامی شرکت‌های فعال در بازه زمانی مورد نظر بررسی شده و آن دسته از شرکت‌هایی که واجد شرایط مشخصی بودند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. شرایط انتخاب این شرکت‌ها به شرح زیر است:

- ۱- شرکت‌هایی که پیش از سال ۱۳۹۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و تا پایان سال ۱۴۰۲ همچنان در فهرست شرکت‌های بورسی قرار دارند.
 - ۲- شرکت‌هایی که جزء شرکت‌های فعال در زمینه سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها، بیمه‌ها و لیزینگ‌ها نباشند.
 - ۳- شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها منتهی به اسفند ماه باشد.
 - ۴- شرکت‌هایی که در بازه زمانی مدنظر، نماد آن‌ها حذف نشده یا توقف فعالیت نداشته‌اند.
 - ۵- شرکت‌هایی که در طول دوره پژوهش، تغییر در سال مالی نداشته‌اند.
- در نهایت، ۱۵۱ شرکت از میان ۲۵ صنعت واجد شرایط، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

مدل‌های رگرسیونی پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، مدل‌های به کاررفته از نوع رگرسیون چندگانه هستند. بر این اساس، روابط زیر به عنوان مدل‌های مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها در نظر گرفته شده‌اند:

رابطه (۱):

$$CSP_{it} = \beta_0 + \beta_1 AIS_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 IOWN_{it} + \beta_7 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۲):

$$CSP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AEDC_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 IOWN_{it} + \beta_7 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۳):

$$CSP_{it} = \beta_0 + \beta_1 AIS_{it} + \beta_2 ACCP_{it} + \beta_3 (AIS_{it} \times ACCP_{it}) + \beta_4 Age_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 IOWN_{it} + \beta_9 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۴):

$$CSP_{it} = \beta_0 + \beta_1 AEDC_{it} + \beta_2 ACCP_{it} + \beta_3 (AEDC_{it} \times ACCP_{it}) + \beta_4 Age_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 IOWN_{it} + \beta_9 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

نحوه اندازه‌گیری و تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش متغیر وابسته

عملکرد پایداری شرکت (CSP): در این پژوهش، عملکرد پایداری شرکت‌ها از سه بُعد اصلی زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای سنجش این متغیر، از چک‌لیست پیشنهادی فخاری و همکاران (۱۳۹۶) استفاده شده است. این چک‌لیست براساس گزارش فعالیت هیئت مدیره شرکت‌ها طراحی شده و افشاهای انجام‌شده را با استفاده از روش کدگذاری دوتایی (عدد ۱ در صورت افشا و عدد صفر در صورت عدم افشا) ثبت می‌کند. این چک‌لیست شامل ۳۶ شاخص در سه بُعد مذکور است که در نگاره (۱) ارائه شده است.

نگاره ۱: ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

Table 1. Environmental, Social, and Governance Dimensions

ابعاد			ردیف
حاکمیتی	اجتماعی	زیست‌محیطی	
مسائل عمومی حاکمیتی	مسائل عمومی اجتماعی	مسائل عمومی زیست‌محیطی	1
هیئت مدیره و کمیته‌ها	سیستم‌های مدیریت اجتماعی	تأثیر بر طبیعت	2
قانونمندی	حقوق انسانی	مدیریت زیست‌محیطی	3
مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری مسئولیت اجتماعی	ارزیابی ریسک محیطی	4
ترکیب هیئت مدیره	سلامت تولید	تغییر آب و هوا	5
انطباق با قوانین	حقوق نیروی کار	سیستم مدیریت محیطی	6
اقدامات نظارتی و مدیریت ریسک	یادگیری و آموزش اجتماعی	آموزش محیطی	7
کمیته‌ها	مسائل اجتماعی مشتریان و زنجیره تامین	تنوع زیستی	8
اخلاق، فساد و اصول رفتاری	سلامت و امنیت و بهره‌وری	انرژی، بهره‌وری، آب	9

شفاف سازی حاکمیتی	شفاف سازی اجتماعی	شفاف سازی محیطی	10
جبران عملکرد	حفظ نام تجاری و رفتار ضد رقابتی	آلایندگی و آلودگی، ضایعات	11
رعایت حقوق سهامداران	رعایت اصول حقوق بشر	مسائل محیطی محصولات، خدمات و زنجیره تأمین	12

برای هر شرکت، مجموع امتیازات افشاشدهٔ مربوط به ۳۶ مورد در سه بُعد اصلی زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی محاسبه و بر عدد ۳۶ تقسیم می‌شود. حاصل این نسبت، عددی بین صفر تا ۱ خواهد بود؛ به گونه‌ای که هر چه این عدد به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهندهٔ افشای گسترده‌تر و عملکرد قوی‌تر شرکت در ابعاد مختلف پایداری است.

متغیرهای مستقل

تخصص حسابرس در صنعت (AIS): این متغیر نمایانگر تخصص حسابرس است که برای اندازه‌گیری آن از سهم بازار مؤسسه حسابرسی استفاده شده است. سهم بازار به صورت نسبت مجموع دارایی‌های تمامی صاحبکاران هر مؤسسه حسابرسی در یک صنعت خاص به مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران در همان صنعت محاسبه می‌شود. در نهایت، مؤسساتی به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته شدند که سهم بازارشان بیش از $[1.2 \times (\text{تعداد شرکت‌های موجود در یک صنعت} \div 1)]$ باشد. برای این مؤسسات مقدار متغیر برابر با یک و برای سایر مؤسسات حسابرسی مقدار صفر اختصاص داده شده است (ولی زاده لاریجانی، ۱۴۰۴).

وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار (AEDC): این متغیر از طریق تقسیم دارایی‌های هر شرکت حسابرسی شده توسط یک حسابرس به مجموع دارایی‌های تمام شرکت‌های بورسی حسابرسی شده توسط همان حسابرس محاسبه می‌شود. در صورتی که این نسبت بیش از مقدار میانه کل نمونه باشد، عدد ۱ به آن اختصاص می‌یابد و در غیر این صورت، مقدار صفر در نظر گرفته می‌شود (رهروی دستجردی و سهرابیانی^۱، ۲۰۲۵؛ هو و همکاران^۲، ۲۰۲۳).

متغیر تعدیلگر

قدرت رئیس کمیته حسابرسی (ACCP): مطابق با دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی و منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، ریاست کمیته حسابرسی باید بر عهده یکی از اعضای مستقل

¹ Rahrovi Dastjerdi & Sohrabiani

² Hu et al.

هیئت مدیره یا عضو غیرموظف مالی هیئت مدیره باشد. این الزام به‌وضوح در منشور کمیته حسابرسی مورد تأکید قرار گرفته است. با وجود آن که در ادبیات پیشین، بررسی قدرت رئیس کمیته حسابرسی به‌طور مستقیم مورد توجه قرار نگرفته است، پژوهش حاضر برای نخستین بار به تحلیل بعد ساختاری قدرت رئیس کمیته حسابرسی می‌پردازد. در این چارچوب، نقش سازمانی رئیس میان کمیته حسابرسی و هیئت مدیره به‌عنوان شاخصی از قدرت ساختاری وی تعریف شده است. بر این اساس، در صورتی که رئیس کمیته حسابرسی هم‌زمان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره نیز باشد، این شاخص عدد ۱ را به خود اختصاص می‌دهد و در غیر این صورت، مقدار آن صفر در نظر گرفته می‌شود.

متغیرهای کنترلی

بر اساس پژوهش فتحه و کارگر (۱۴۰۳) و سایر مطالعات مرتبط، برای کنترل عوامل اثرگذار بر عملکرد پایداری شرکت‌ها، متغیرهایی نظیر سن شرکت، اندازه شرکت، بازده دارایی‌ها، ارزش شرکت، سرمایه‌گذاران نهادی و اهرم مالی به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند. سن شرکت به‌عنوان شاخصی از تجربه و بلوغ سازمانی تلقی می‌شود؛ زیرا شرکت‌های با سابقه بیشتر، معمولاً ساختارهای تثبیت‌شده‌تری دارند که می‌تواند بر پایداری عملکرد آن‌ها تأثیرگذار باشد. اندازه شرکت نیز از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که شرکت‌های بزرگ‌تر، علاوه بر دسترسی به منابع بیشتر، معمولاً تحت فشارهای نظارتی و اجتماعی بیشتری قرار دارند که این موضوع می‌تواند در تصمیمات مرتبط با پایداری مؤثر باشد. بازده دارایی‌ها به‌عنوان سنج‌ای از کارایی مالی، نشان‌دهنده توانایی شرکت در استفاده بهینه از منابع و اجرای سیاست‌های پایداری است. ارزش شرکت نیز بازتابی از ادراک بازار نسبت به چشم‌انداز رشد و پایداری آتی آن محسوب می‌شود. در این میان، سرمایه‌گذاران نهادی به دلیل برخورداری از قدرت نفوذ بالا، نقش مؤثری در نظارت بر مدیریت و جهت‌دهی به تصمیمات راهبردی، به‌ویژه در حوزه پایداری، ایفا می‌کنند. در نهایت، اهرم مالی به‌عنوان شاخصی از ساختار سرمایه شرکت، می‌تواند با تأثیرگذاری بر ریسک‌پذیری و انعطاف‌پذیری مالی، میزان تمرکز شرکت بر اهداف بلندمدتی نظیر پایداری را تحت تأثیر قرار دهد.

سن شرکت (Age): از طریق لگاریتم طبیعی تفاوت بین سال جاری و سال تأسیس شرکت به دست می‌آید. اندازه شرکت (Size): از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها به دست می‌آید. بازده دارایی‌ها (ROA): از طریق نسبت جمع سود خالص، بهره و مالیات بر کل دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.

رشد شرکت (MTB): رشد شرکت از طریق نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود. این نسبت که به آن نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری نیز گفته می‌شود، یکی از شاخص‌های متداول برای ارزیابی فرصت‌های رشد شرکت‌ها در بازار سرمایه است. فرمول محاسبه این نسبت به شرح زیر است:

$$MB = \frac{\text{ارزش بازار حقوق صاحبان سهام}}{\text{ارزش دفتری دارایی}}$$

سرمایه‌گذاران نهادی (IOWN): درصد سهامی که متعلق به سرمایه‌گذاران نهادی مانند بانک‌ها، بیمه‌ها و سایر نهادهای مالی است. همچنین درصد سهامی که به سهامدارانی که بیش از ۵ درصد از سهام شرکت را در اختیار دارند، اختصاص دارد.

اهرم مالی (Lev): از طریق نسبت کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. نگاره‌های (۲) و (۳)، آمار توصیفی کمی و کیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد. آمار توصیفی مربوط به ۱۵۱ شرکت نمونه طی دوره زمانی ۷ ساله (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲) می‌باشد.

نگاره ۲: آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

Table 2. Descriptive Statistics of the Research Quantitative Variables

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
عملکرد پایداری شرکت	CSP	۱۰۵۷	۰/۵۵۹	۰/۱۲۵	۰/۱۹۴	۰/۸۶۱
سن شرکت	Age	۱۰۵۷	۳/۶۹۹	۰/۳۳۱	۲/۸۳۳	۴/۲۷۶
اندازه شرکت	Size	۱۰۵۷	۱۵/۶۷۴	۱/۶۸۱	۱۱/۴۰۶	۲۱/۸۹۹
بازده دارایی‌ها	ROA	۱۰۵۷	۰/۲۲۰	۰/۱۷۲	-۰/۵۸۱	۰/۶۶۰
رشد شرکت	MTB	۱۰۵۷	۳/۴۲۳	۳/۲۲۸	۰/۶۲۲	۳۲/۷۰۲
سرمایه‌گذاران نهادی	IOWN	۱۰۵۷	۰/۶۴۱	۰/۲۰۲	۰/۰۵۹	۰/۹۵۴

۱/۹۶۴	۰/۰۳۱	۰/۲۳۰	۰/۵۰۹	۱۰۵۷	Lev	اهرم مالی
-------	-------	-------	-------	------	-----	-----------

در نگاره (۲) مشاهده می‌شود که میانگین عملکرد پایداری شرکت‌ها برابر با ۰/۵۵۹ بوده که نشان‌دهنده سطحی نسبتاً متوسط از فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در میان شرکت‌های مورد بررسی است. این مقدار، گرچه در حد ایده‌آل نیست، اما حاکی از توجه نسبی شرکت‌ها به الزامات پایداری می‌باشد. مقدار حداقل ۰/۱۹۴ و حداکثر ۰/۸۶۱ نیز بیانگر وجود تفاوت معنادار میان شرکت‌ها در رعایت شاخص‌های پایداری است؛ که می‌تواند ناشی از تفاوت در راهبردهای مدیریتی، نوع صنعت، یا میزان تعهد شرکت‌ها به مسئولیت‌های اجتماعی باشد. همچنین، انحراف معیار نسبتاً پایین ۰/۱۲۵ نشان‌دهنده تمرکز نتایج حول میانگین و وجود همگرایی در عملکرد اغلب شرکت‌ها در این زمینه است. در خصوص سن شرکت‌ها، میانگین برابر با ۳/۹۹۶ است که با توجه به مقیاس لگاریتمی به کار رفته، تقریباً معادل ۴۰ سال سابقه فعالیت می‌باشد. بازه تغییرات محدود بین ۲/۸ تا ۴/۲۷ و انحراف معیار پایین ۰/۳۳۱ حاکی از همگنی نسبی در سن شرکت‌ها است؛ این همگنی می‌تواند باعث کاهش تأثیر متغیر سن در تحلیل‌های آماری شود. میانگین اندازه شرکت‌ها برابر با ۱۵/۶۷۴ است که در کنار حداقل ۱۱/۴۰۶ و حداکثر ۲۱/۸۹۹، از ناهمگونی معنادار در اندازه شرکت‌ها حکایت دارد. انحراف معیار نسبتاً بالا ۱/۶۸۱ نیز مؤید همین موضوع است و می‌تواند بازتابی از تفاوت در منابع، ظرفیت عملیاتی و جایگاه بازار شرکت‌ها باشد. در رابطه با بازده دارایی‌ها، میانگین برابر با ۰/۲۲۰ نشان می‌دهد که شرکت‌ها به‌طور میانگین بازدهی مناسبی داشته‌اند. با این حال، بازه گسترده از ۰/۵۸۱- تا ۰/۶۶۱ و انحراف معیار بالا ۰/۱۷۲ گویای نوسانات شدید در سودآوری شرکت‌ها است که ممکن است به تفاوت در بهره‌وری، ساختار هزینه یا محیط رقابتی بازگردد. در خصوص ارزش بازار به‌طور ارزش دفتری دارایی‌ها (شاخص رشد شرکت)، میانگین برابر ۳/۴۲۳ بوده که نشان می‌دهد بازار به‌طور میانگین ارزش دارایی شرکت‌ها را بیش از سه برابر ارزش دفتری آن‌ها برآورد کرده است. با این حال، مقدار بیشینه بسیار بالا ۳۲/۷۰ و انحراف معیار قابل توجه ۳/۲۲۸ نشان از نوسانات شدید و احتمال وجود خوش‌بینی افراطی در ارزش‌گذاری برخی شرکت‌ها دارد. سرمایه‌گذاران نهادی با میانگین ۰/۶۴۱ بیانگر حضور گسترده سرمایه‌گذاران نهادی در ساختار مالکیت شرکت‌های نمونه است. دامنه متنوع از ۰/۰۵۹ تا ۰/۹۵۴ و انحراف معیار متوسط ۰/۲۰۲ نیز نشان‌دهنده تفاوت در استراتژی‌ها و سبک‌های سرمایه‌گذاری نهادهای مالی است. در نهایت، نسبت بدهی به دارایی با میانگین ۰/۵۰۹ حاکی از ساختار سرمایه‌ای نسبتاً متعادل در سطح کلان است. با این وجود، دامنه گسترده از ۰/۰۳۱ تا ۱/۹۶۴ و انحراف معیار نسبتاً بالا ۰/۲۳۰ نشان از تفاوت‌های

چشمگیر در استفاده از اهرم مالی دارد که ممکن است به شکل معناداری بر ریسک و پایداری مالی شرکت‌ها تأثیر بگذارد.

نگاره ۳: آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش

Table 3. Descriptive Statistics of the Qualitative Variables of the Study

نام متغیر	نماد	شرح	فراوانی	درصد فراوانی
تخصص حسابرس در صنعت	AIS	۰	۶۶۴	۶۲/۸۲
		۱	۳۹۳	۳۷/۱۸
وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار	AEDC	۰	۵۲۸	۴۹/۹۵
		۱	۵۲۹	۵۰/۰۵
قدرت رئیس کمیته حسابرسی	ACCP	۰	۵۷۲	۵۴/۱۲
		۱	۴۸۵	۴۵/۸۸

همانطور که در نگاره (۳) مشاهده می‌شود، تعداد کل شرکت-سال‌های مورد بررسی در این پژوهش برابر با ۱۰۵۷ مورد بوده است. از این تعداد، ۳۹۳ شرکت-سال (معادل ۳۷/۱۸ درصد) دارای تخصص حسابرس در صنعت بوده‌اند. همچنین، ۵۲۹ شرکت-سال (معادل ۵۰/۰۵ درصد) از نظر وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار در سطح قابل توجهی قرار داشته‌اند. افزون بر این، ۴۸۵ شرکت-سال (معادل ۴۵/۸۸ درصد) دارای قدرت رئیس کمیته حسابرسی بوده‌اند.

آزمون مانایی متغیرها

به منظور بررسی وجود ریشه واحد در داده‌های پانل، می‌توان از آزمون هادری استفاده کرد که نتایج آن به صورت نگاره (۴) عرضه می‌گردد.

نگاره ۴: آزمون مانایی (هادری) برای تمامی متغیرهای پژوهش

Table 4. Stationarity Test (Hadri) for All Research Variables

نام متغیر	نماد	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
عملکرد پایداری شرکت	CSP	۹/۶۰۷۴	۰/۰۰۰۰	مانا است
سن شرکت	Age	۳۶/۶۸۷۷	۰/۰۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	Size	۳۴/۹۵۸۱	۰/۰۰۰۰	مانا است
بازده دارایی‌ها	ROA	۱۰/۸۱۷۵	۰/۰۰۰۰	مانا است
رشد شرکت	MTB	۴/۸۴۹۰	۰/۰۰۰۰	مانا است

سرمايه گذاران نهادی	IOWN	۱۸/۱۸۵۰	۰/۰۰۰۰	مانا است
اهرم مالی	Lev	۱۳/۴۹۳۷	۰/۰۰۰۰	مانا است

با توجه به نگاره (۴) مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری همه متغیرها در آزمون مانایی هادری کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

آزمون اف لیمر (چاو) و هاسمن

آزمون F لیمر نشان می‌دهد که در سطح خطای ۵ درصد، بین مدل تلفیقی (Pooling) و مدل پانل (Panel)، استفاده از مدل رگرسیون تابلویی مناسب‌تر است ($p < 0/001$). به بیان دیگر، فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبدأها در مقاطع مختلف رد شده و مدل پانلی بر مدل تلفیقی ترجیح داده می‌شود. پس از آن، برای تعیین مناسب‌ترین مدل بین اثرات ثابت و اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شد. مبنای تصمیم‌گیری در این آزمون، مقدار سطح معناداری است. اگر این مقدار کمتر از ۵ درصد باشد، مدل اثرات ثابت انتخاب می‌شود؛ اما اگر بیشتر از ۵ درصد باشد، مدل اثرات تصادفی ارجح است. نتایج این دو آزمون در نگاره‌های (۵) و (۶) ارائه شده‌اند.

نگاره ۵: نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

Table 5. Results of the F-Limer (Chow) Test

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه (مدل) اول	۹/۲۰	۰/۰۰۰۰	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی
فرضیه (مدل) دوم	۹/۲۸	۰/۰۰۰۰	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی
فرضیه (مدل) سوم	۷/۷۹	۰/۰۰۰۰	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی
فرضیه (مدل) چهارم	۸/۰۴	۰/۰۰۰۰	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی

نتایج آزمون چاو (F لیمر) که در نگاره ۵ ارائه شده، نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدأ برای تمامی شرکت‌های مورد مطالعه در سطح معنی‌داری ۵ درصد رد می‌شود. بنابراین، استفاده از مدل داده‌های تابلویی (Panel) نسبت به مدل تلفیقی (Pooling) مناسب‌تر بوده و برای برآورد روابط بین متغیرها در این پژوهش، می‌توان از روش پانلی استفاده نمود.

نگاره ۶: نتایج آزمون هاسمن

Table 6. Results of the Hausman Test

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
فرضیه (مدل) اول	۱۵/۸۸	۰/۰۲۶۳	پذیرش اثرات ثابت عرض از مبدأ
فرضیه (مدل) دوم	۱۷/۹۱	۰/۰۱۲۴	پذیرش اثرات ثابت عرض از مبدأ
فرضیه (مدل) سوم	۳۰/۳۱	۰/۰۰۰۴	پذیرش اثرات ثابت عرض از مبدأ
فرضیه (مدل) چهارم	۴۲/۵۰	۰/۰۰۰۰	پذیرش اثرات ثابت عرض از مبدأ

نتایج آزمون هاسمن که در نگاره (۶) ارائه شده، نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر مناسب بودن مدل با اثرات تصادفی در سطح معنی داری ۵ درصد رد می‌شود. بنابراین، مدل با اثرات ثابت برای برآورد روابط بین متغیرهای پژوهش مناسب‌تر تشخیص داده شده و در ادامه، تحلیل‌ها بر اساس این روش انجام می‌گیرد.

آزمون ناهمسانی واریانس

وقتی خطاها ناهمسان باشند، انحراف معیار عرض از مبدأ به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد و انحراف معیار ضرایب شیب نیز به شدت تحت تأثیر ناهمسانی واریانس قرار می‌گیرد. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس در نگاره (۷) ارائه شده است.

نگاره ۷: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

Table 7. Results of the Variance Heterogeneity Test

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
فرضیه (مدل) اول	۶۶/۵۳	۰/۰۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس
فرضیه (مدل) دوم	۶۶/۶۵	۰/۰۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس
فرضیه (مدل) سوم	۱۷/۳۵	۰/۰۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس
فرضیه (مدل) چهارم	۲۰/۷۷	۰/۰۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس

نتایج نشان داده شده در نگاره (۷) بیان می‌کند که سطح معناداری آزمون در تمامی مدل‌ها کمتر از ۵ درصد است، که حکایت از وجود ناهمسانی واریانس در جملات اختلال دارد. به منظور رفع این مشکل، در تخمین نهایی مدل پژوهش از روش GLS استفاده شده است.

آزمون خودهمبستگی

یکی از فرض‌های اساسی در تخمین مدل رگرسیون به روش OLS، عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا یا به عبارت دیگر نبود همبستگی سریالی است. نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی در جدول ۸ ارائه شده است.

نگاره ۸: نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی

Table 8. Results of the Serial Autocorrelation Test

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه (مدل) اول	۳۶۶/۰۵۲	۰/۰۰۰۰	وجود خودهمبستگی
فرضیه (مدل) دوم	۳۶۷/۴۲۵	۰/۰۰۰۰	وجود خودهمبستگی
فرضیه (مدل) سوم	۳۵۱/۲۹۶	۰/۰۰۰۰	وجود خودهمبستگی
فرضیه (مدل) چهارم	۳۵۹/۸۶۸	۰/۰۰۰۰	وجود خودهمبستگی

با توجه به نتایج نگاره (۸)، مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون والد ریچ برای تمامی مدل‌ها کمتر از ۵ درصد است که نشان‌دهنده وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌ها می‌باشد. این مشکل در تخمین نهایی مدل پژوهش با استفاده از اجرای دستور اصلاح خودهمبستگی (correlation correction auto) برطرف شده است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نگاره ۹: نتیجه تخمین نهایی فرضیه اول

Table 9. Final Estimation Result of the First Hypothesis

$CSP_{it} = \beta_0 + \beta_1 AIS_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 IOWN_{it} + \beta_7 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیر وابسته: عملکرد پایداری شرکت						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم‌خطی
تخصص حسابرس در صنعت	AIS	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۱/۹۸	۰/۰۴۷	۱/۰۵
سن شرکت	Age	۰/۰۲۴	۰/۰۰۶	۳/۸۰	۰/۰۰۰	۱/۰۴
اندازه شرکت	Size	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	۵/۱۲	۰/۰۰۰	۱/۱۲
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰	۱/۰۲	۰/۳۰۸	۱/۳۸

۱/۱۲	۰/۳۹۵	-۰/۸۵	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۳	MTB	رشد شرکت
۱/۱۰	۰/۶۲۵	-۰/۴۹	۰/۰۱۰	-۰/۰۰۵	IOWN	سرمایه‌گذاران نهادی
۱/۳۶	۰/۳۴۰	۰/۹۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	Lev	اهرم مالی
---	۰/۰۰۰	۱۱/۵۲	۰/۰۲۹	۰/۳۳۶	C	
۰/۳۴۹۵						ضریب تعیین
۲۵۳/۶۹						آماره والد
۰/۰۰۰۰						سطح معناداری

نتایج ارائه‌شده در نگاره (۹) نشان می‌دهد که متغیر تخصص حسابرس در صنعت دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تخصص حسابرس در صنعت بر عملکرد پایداری شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد و فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. در رابطه با متغیرهای کنترلی، سن شرکت و اندازه شرکت دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارند. در مقابل، متغیرهای رشد شرکت، سرمایه‌گذاران نهادی و اهرم مالی علی‌رغم سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، تأثیر معناداری بر عملکرد پایداری شرکت ندارند. مقدار ضریب تعیین برابر با ۳۴ درصد گزارش شده که بیانگر آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توانسته‌اند ۳۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (عملکرد پایداری شرکت) را تبیین کنند. همچنین مقدار آماره والد برابر با ۲۵۳/۶۹ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد است، که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل و معناداری کلی آن می‌باشد. در نهایت، نتایج آزمون هم‌خطی نیز نشان می‌دهد که عامل تورم واریانس (VIF) در متغیرهای مدل در سطح قابل قبول قرار دارد و مشکل هم‌خطی چندگانه در مدل وجود ندارد.

نگاره ۱۰: نتیجه تخمین نهایی فرضیه دوم

Table 10. Final Estimation Result of the Second Hypothesis

$CSP_{it} = \beta_0 + \beta_1 AIS_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 IOWN_{it} + \beta_7 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیر وابسته: عملکرد پایداری شرکت						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم‌خطی
وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار	AEDC	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷	۰/۶۶	۰/۵۰۹	۱/۰۹

۱/۰۴	۰/۰۰۸	۲/۶۶	۰/۰۲۲	۰/۰۶۰	Age	سن شرکت
۱/۱۴	۰/۰۰۰	۴/۱۱	۰/۰۰۳	۰/۰۱۴	Size	اندازه شرکت
۱/۳۸	۰/۰۰۰	۶/۸۰	۰/۰۰۷	۰/۰۵۳	ROA	بازده دارایی‌ها
۱/۱۳	۰/۰۰۰	۵/۸۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	MTB	رشد شرکت
۱/۱۰	۰/۰۶۹	۱/۸۲	۰/۰۳۶	۰/۰۶۵	IOWN	سرمایه‌گذاران نهادی
۱/۳۵	۰/۰۰۰	-۶/۶۰	۰/۰۴۱	-۰/۲۷۲	Lev	اهرم مالی
---	۰/۰۳۰	-۲/۱۶	۰/۰۸۹	-۰/۱۹۴	C	
۰/۳۷۹۹					ضریب تعیین	
۲۲۴/۲۰					آماره والد	
۰/۰۰۰۰					سطح معناداری	

نتایج ارائه شده در نگاره (۱۰) نشان می‌دهد که متغیر وابستگی اقتصادی حسابرِس به صاحبکار دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این متغیر تأثیر معناداری بر عملکرد پایداری شرکت ندارد و در نتیجه، فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. در رابطه با متغیرهای کنترلی، سن شرکت، اندازه شرکت، بازده دارایی‌ها و رشد شرکت دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارند. همچنین، اهرم مالی با وجود سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارد. در مقابل، متغیر سرمایه‌گذاران نهادی علی‌رغم سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، تأثیر معناداری بر عملکرد پایداری شرکت ندارد. مقدار ضریب تعیین برابر با ۳۷ درصد گزارش شده که نشان می‌دهد ۳۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل تبیین شده است. همچنین، آماره والد برابر با ۲۲۴/۲۰ بوده و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد است که حاکی از معناداری کلی مدل و برازش مناسب آن می‌باشد. نتایج آزمون هم‌خطی نیز نشان می‌دهد که عامل تورم واریانس (VIF) برای متغیرهای مدل در محدوده مجاز قرار دارد؛ بنابراین، مشکل هم‌خطی چندگانه در مدل وجود ندارد.

نگاره ۱۱: نتیجه تخمین نهایی فرضیه سوم

Table 11. Final Estimation Result of the Third Hypothesis

$$CSP_{it} = \beta_0 + \beta_1 AIS_{it} + \beta_2 ACCP_{it} + \beta_3 (AIS_{it} \times ACCP_{it}) + \beta_4 Age_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 IOWN_{it} + \beta_9 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته: عملکرد پایداری شرکت						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم خطی
تخصص حسابرس در صنعت	AIS	۰/۰۲۳	۰/۰۰۷	۳/۰۶	۰/۰۰۲	۱/۷۱
قدرت رئیس کمیته حسابرسی	ACCP	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۱/۴۳	۰/۱۵۴	۱/۰۱
تخصص حسابرس در صنعت* قدرت رئیس کمیته حسابرسی	AIS* ACCP	۰/۰۴۱	۰/۰۰۸	۵/۱۳	۰/۰۰۰	۱/۶۶
سن شرکت	Age	۰/۰۶۳	۰/۰۱۲	۴/۹۲	۰/۰۰۰	۱/۰۴
اندازه شرکت	Size	۰/۰۱۵	۰/۰۰۲	۵/۶۸	۰/۰۰۰	۱/۳۵
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۵۳	۰/۰۰۵	۱۰/۶۴	۰/۰۰۰	۱/۰۶
رشد شرکت	MTB	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰۹	۸/۶۱	۰/۰۰۰	۱/۱۲
سرمایه‌گذاران نهادی	IOWN	۰/۰۵۰	۰/۰۲۱	۲/۴۱	۰/۰۱۶	۱/۰۸
اهرم مالی	Lev	-۰/۲۶۳	۰/۰۱۷	-۱۵/۲۹	۰/۰۰۰	۱/۱۰
C		-۰/۲۲۱	۰/۰۶۵	-۳/۳۷	۰/۰۰۱	---
ضریب تعیین		۰/۳۸۹۱				
آماره والد		۳۱۳/۴۰				
سطح معناداری		۰/۰۰۰۰				

نتایج ارائه شده در نگاره (۱۱) نشان می‌دهد که متغیر تعاملی (تخصص حسابرس در صنعت*قدرت رئیس کمیته حسابرسی) دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قدرت رئیس کمیته حسابرسی، اثر تخصص حسابرس در صنعت بر عملکرد پایداری شرکت را به‌طور معناداری تقویت می‌کند. در نتیجه، فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. در رابطه با متغیرهای کنترلی، سن شرکت، اندازه شرکت، بازده دارایی‌ها، رشد شرکت و سرمایه‌گذاران نهادی دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارند. در مقابل، اهرم مالی با وجود سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارد. ضریب تعیین مدل برابر با ۳۸ درصد گزارش شده که نشان می‌دهد ۳۸ درصد از

تغییرات متغیر وابسته (عملکرد پایداری شرکت) توسط متغیرهای مستقل و کنترل‌ی تبیین شده است. آماره والد نیز برابر با ۳۱۳/۴۰ بوده و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد است؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که مدل از اعتبار آماری و برازش مناسبی برخوردار است. نتایج آزمون هم‌خطی نیز نشان می‌دهد که عامل تورم واریانس (VIF) برای متغیرهای مدل در محدوده مجاز قرار دارد و در نتیجه مشکل هم‌خطی چندگانه در مدل مشاهده نمی‌شود.

نگاره ۱۲: نتیجه تخمین نهایی فرضیه چهارم

Table 12. Final Estimation Results of the Fourth Hypothesis

$CSP_{it} = \alpha_0 + \beta_1 AEDC_{it} + \beta_2 ACCP_{it} + \beta_3 (AEDC_{it} \times ACCP_{it}) + \beta_4 Age_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 IOWN_{it} + \beta_9 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیر وابسته: عملکرد پایداری شرکت						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم‌خطی
وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار	AEDC	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸	۰/۷۸	۰/۴۳۶	۱/۹۵
قدرت رئیس کمیته حسابرسی	ACCP	۰/۰۱۷	۰/۰۰۸	۲/۰۰	۰/۰۴۶	۲/۰۲
وابستگی اقتصادی حسابرس* قدرت رئیس کمیته حسابرسی	AEDC* ACCP	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۱	-۰/۶۱	۰/۵۴۱	۲/۸۳
سن شرکت	Age	۰/۰۵۸	۰/۰۲۲	۲/۶۲	۰/۰۰۹	۱/۰۴
اندازه شرکت	Size	۰/۰۱۴	۰/۰۰۳	۴/۱۹	۰/۰۰۰	۱/۱۴
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۵۴	۰/۰۰۷	۶/۸۳	۰/۰۰۰	۱/۰۶
رشد شرکت	MTB	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۵/۹۸	۰/۰۰۰	۱/۱۲
سرمایه‌گذاران نهادی	IOWN	۰/۰۶۷	۰/۰۳۴	۱/۹۴	۰/۰۵۳	۱/۰۷
اهرم مالی	Lev	-۰/۲۷۱	۰/۰۴۱	-۶/۵۶	۰/۰۰۰	۱/۰۹
C						
				۰/۳۸۶۶	ضریب تعیین	
				۲۴۲/۴۱	آماره والد	

سطح معناداری	۰/۰۰۰۰
--------------	--------

نتایج ارائه شده در نگاره (۱۲) نشان می‌دهد که متغیر تعاملی (وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار* قدرت رئیس کمیته حسابرسی) دارای سطح معناداری بالاتر از ۵ درصد است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که قدرت رئیس کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر رابطه میان وابستگی اقتصادی حسابرس و عملکرد پایداری شرکت ندارد. در نتیجه، فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. در رابطه با متغیرهای کنترلی سن شرکت، اندازه شرکت، بازده دارایی‌ها، رشد شرکت و اهرم مالی دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارند. همچنین، متغیر اهرم مالی با سطح معناداری کمتر از ۵ درصد تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارد. در مقابل، متغیر سرمایه‌گذاران نهادی علی‌رغم سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، تأثیر معناداری بر عملکرد پایداری شرکت ندارد. ضریب تعیین مدل برابر با ۳۸ درصد گزارش شده است که بیانگر آن است که ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (عملکرد پایداری شرکت) توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل تبیین شده‌اند. آماره والد برابر با ۲۴۲/۴۱ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد است؛ از این رو، مدل تخمینی از برازش و اعتبار آماری مناسبی برخوردار است. علاوه بر این، نتایج آزمون هم‌خطی نیز نشان می‌دهد که عامل تورم واریانس (VIF) در محدوده قابل قبول قرار دارد و مشکل هم‌خطی چندگانه در مدل وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر که پیش‌تر بیان شد، بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت و وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار بر عملکرد پایداری شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیلی قدرت رئیس کمیته حسابرسی است. برای دستیابی به اهداف پژوهش، چهار فرضیه تدوین و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج فرضیه اول نشان داد که تخصص حسابرس در صنعت تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد پایداری شرکت دارد. تخصص حسابرس در صنعت، با تعمیق شناخت وی از ویژگی‌ها، ریسک‌ها و الزامات خاص آن حوزه، زمینه‌ساز ارزیابی دقیق‌تر فعالیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت می‌گردد. این شناخت تخصصی، کیفیت بازبینی اطلاعات پایداری را ارتقا داده، شناسایی نقاط ضعف و ارائه راهکارهای هدفمند را تسهیل می‌کند. همچنین، حضور حسابرس متخصص، موجب افزایش شفافیت گزارش‌های پایداری و کاهش عدم اطمینان سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان می‌شود که در نهایت به تقویت اعتماد به مدیریت و کاهش هزینه سرمایه منجر خواهد شد. در نتیجه، این عوامل اتخاذ تصمیم‌های راهبردی برای تحقق اهداف پایداری را امکان‌پذیر ساخته و عملکرد پایداری شرکت را بهبود می‌بخشد. این نتایج با نظریه نهادی هم‌راستا

است، زیرا تخصص حرفه‌ای موجب کاهش ابهام محیطی و انطباق بهتر با معیارهای پایداری می‌گردد. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش‌های ثابت کوشکی نیان (۱۴۰۳)، زمانی و همکاران (۱۳۹۸) و ژانگ و گوئو (۲۰۲۴) همخوانی دارد که نشان داده‌اند تخصص حسابرس به‌ویژه در شرکت‌های بررسی شده توسط مؤسسات Big Four کیفیت حسابرسی را ارتقاء داده و از طریق بهبود گزارشگری پایداری یا کارایی فرایند حسابرسی، عملکرد پایداری شرکت‌ها را تقویت می‌کند. در مقابل، پژوهش مهسینا و همکاران (۲۰۲۵) با وجود تأثیر مثبت کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک، هیچ تأثیر معناداری بر عملکرد پایداری نیافته است و مطالعه بوآلای و العجمی (۲۰۲۰) حتی رابطه منفی بین تخصص مالی اعضای هیئت مدیره و گزارشگری پایداری گزارش کرده است که با نتایج این فرضیه در تضاد است.

نتایج فرضیه دوم نشان داد که وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار تأثیر معناداری بر عملکرد پایداری شرکت ندارد. با وجود آنکه وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار از منظر نظریه نمایندگی می‌تواند تهدیدی برای استقلال حرفه‌ای تلقی شود، شواهد نشان می‌دهد در بستر چارچوب‌های نظارتی مستحکم، استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و نظارت نهادهایی چون هیئت‌های نظارت و کمیته‌های حسابرسی، اثر منفی بر عملکرد پایداری شرکت‌ها ندارد. حسابرسان به‌منظور حفظ اعتبار حرفه‌ای و پیشگیری از پیامدهای حقوقی و انضباطی، حتی در شرایط وابستگی مالی به مشتریان عمده، ملزم به رعایت بی‌طرفی و استقلال هستند. در این میان، انسجام نظام‌های درونی و فشارهای ذی‌نفعان برای ارائه گزارش‌های غیرمالی معتبر، نقش مهم‌تری در تعیین عملکرد پایداری ایفا می‌کنند و وابستگی اقتصادی به‌تنهایی عامل تعیین‌کننده‌ای محسوب نمی‌شود. نتایج این فرضیه با یافته پژوهش متوسل و همکاران (۱۴۰۲) مطابقت دارد و نشان دادند وابستگی اقتصادی حسابرس رابطه معناداری با قابلیت پیش‌بینی سود ندارد و این می‌تواند به‌عنوان یک شاهد غیرمستقیم از عدم تأثیرگذاری وابستگی اقتصادی بر عملکرد پایداری تلقی شود.

نتایج فرضیه سوم نشان داد که قدرت رئیس کمیته حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و عملکرد پایداری شرکت دارد. بر اساس «نظریه توانمندسازی»، قدرت رئیس کمیته حسابرسی به‌عنوان عاملی ساختاری و نهادی، نقش مهمی در تقویت کارایی تخصص حسابرس صنعتی در نظارت بر گزارشگری پایداری ایفا می‌کند. اختیار تعیین دستورکار جلسات و اولویت‌بندی موضوعات کلیدی، نظارت مستمر و هدفمند بر فرایندهای گزارشگری را امکان‌پذیر می‌سازد. همچنین، انتقال شفاف انتظارات مدیریت ریسک و انطباق به تیم حسابرسی و تضمین دسترسی آن‌ها به اطلاعات جامع و به‌روز، مانع از بروز ابهام یا مقاومت در برابر توصیه‌های حسابرس می‌شود. این تعامل نهادی، اجرای دقیق و سریع توصیه‌ها را تسهیل کرده، موجب شناسایی زود هنگام شکاف‌های پایداری شده و کارکرد حرفه‌ای حسابرس

را در کشف و اصلاح موارد ناپایدار تقویت می‌کند؛ امری که در نهایت، ارتقای معنادار عملکرد پایداری شرکت را در پی دارد. نتایج این فرضیه با یافته پژوهش محمدی و کوهساریان (۱۴۰۲) مطابقت دارد و نشان دادند که افزایش استقلال و تخصص رئیس کمیته حسابرسی با تقویت فرایند افشای مسئولیت‌های اجتماعی که یکی از وجوه مهم عملکرد پایداری است، باعث بهبود این ارتباط می‌شود. در حالی که مهسینا و همکاران (۲۰۲۵) به‌طور معنادار تأثیر اثربخشی کلی کمیته حسابرسی که شامل قدرت و نقش رئیس نیز می‌شود را بر عملکرد پایداری شرکت رد کرده‌اند و بنابراین با نتایج این فرضیه در تضاد قرار دارند.

نتایج فرضیه چهارم نشان داد که قدرت رئیس کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر رابطه بین وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار و عملکرد پایداری شرکت ندارد. به عبارت دیگر، مقررات کلان و نظارت‌های حرفه‌ای، استقلال حرفه‌ای حسابرسان را تضمین می‌کنند و از تأثیر گذاری اختیارات فردی رئیس کمیته حسابرسی بر قراردادهای حسابرسی یا ساختار مالی شرکت جلوگیری می‌نمایند. پایداری عملکرد شرکت عمدتاً ناشی از عوامل درون‌سازمانی همچون استراتژی‌های مدیریتی، فرهنگ سازمانی و شفافیت گزارشگری است که از حوزه تصمیم‌گیری مستقیم کمیته حسابرسی خارج‌اند. در نتیجه، وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار تأثیر معناداری بر شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت ندارد و نقش رئیس کمیته نیز این رابطه را تغییر نمی‌دهد. این وضعیت بیانگر آن است که محدودیت‌های ساختاری و چارچوب‌های نظارتی، استقلال حرفه‌ای را حفظ کرده و مطابق نظریه کنترل سازمانی، هم‌راستایی میان کنترل‌های درون‌سازمانی و بیرونی، پایداری ارزیابی‌ها را تقویت می‌نماید. نتایج این فرضیه با یافته پژوهش محمدی و کوهساریان (۱۴۰۲) در تضاد است و نشان دادند که استقلال رئیس کمیته حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر افشای مسئولیت‌های اجتماعی که یکی از ابعاد عملکرد پایداری شرکتی است، دارد. علاوه بر این، دوره تصدی و تخصص رئیس کمیته نیز با افشای مسئولیت‌های اجتماعی رابطه‌ای مثبت و معنادار دارند. این نتایج به‌روشنی نشان می‌دهد که ویژگی‌های رئیس کمیته، از جمله قدرت و استقلال او، می‌تواند بر جنبه‌ای از عملکرد پایداری شرکت تأثیرگذار باشد.

پس از تحلیل فرضیه‌ها و تبیین ابعاد مختلف روابط میان متغیرها، اکنون بر اساس نتایج به‌دست آمده، می‌توان پیشنهادهایی کاربردی برای بهره‌برداران احتمالی از یافته‌های این پژوهش ارائه داد.

به مدیران ارشد شرکت‌ها و رؤسای کمیته‌های حسابرسی توصیه می‌شود در فرایند برون‌سپاری خدمات حسابرسی، مؤسساتی را برگزینند که دارای گواهی‌نامه‌های تخصصی و تجربه مستمر در صنعت فعالیت شرکت باشند؛ اقدامی که با شناسایی سریع‌تر ریسک‌های زیست‌محیطی و اجتماعی، زمینه ارائه توصیه‌های هدفمند در راستای بهبود عملکرد پایداری و افزایش اعتماد ذی‌نفعان به گزارش‌های پایداری را فراهم

می‌سازد. به منظور حفظ استقلال حرفه‌ای حسابرس و پیشگیری از تضاد منافع، تدوین سیاست‌های شفاف داخلی درخصوص سقف منافع اقتصادی حاصل از خدمات غیرحسابرسی مانند مشاوره ضروری است. تقویت نقش نهادهای ناظر همچون سازمان بورس و الزام به ارائه سالانه صورت‌های مالی حسابرسی شده نیز می‌تواند از کاهش کیفیت گزارش‌های پایداری در نتیجه وابستگی اقتصادی حسابرسان جلوگیری کند. همچنین به اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های بورسی پیشنهاد می‌شود در تعیین رئیس کمیته حسابرسی، شاخص‌هایی مانند استقلال کامل، دسترسی مستقیم به اطلاعات مدیریتی و اختیار برنامه‌ریزی جلسات را مدنظر قرار دهند. تقویت جایگاه ساختاری رئیس کمیته، امکان بهره‌گیری مؤثر از تخصص حسابرس صنعت‌محور در شناسایی و اصلاح نواقص پایداری را فراهم می‌سازد. در نهایت، به سهامداران و سرمایه‌گذاران نهادی توصیه می‌شود با تعریف شاخص‌های ارزیابی عملکرد پایداری و ادغام آن‌ها در ساختار شوراها توسعه پایدار، نقش فعال‌تری در ارتقای کیفیت گزارشگری ایفا کنند. این گروه با اعمال فشارهای نظارتی بیرونی، در کنار حمایت رئیس کمیته حسابرسی و رعایت استانداردهای بین‌المللی نظیر (GRI)¹ و (SASB)²، می‌توانند زمینه را برای ارتقای شفافیت و تحقق رشد پایدار در ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی فراهم سازند.

منابع

- افسای، اکرم. (۱۴۰۳). تأثیر تخصص مالی و تجربه رئیس کمیته حسابرسی بر انتخاب حسابرس، حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۲۱(۸۱)، ۲۷۳-۳۰۶.
- ثابت کوشکی نیان، مجید. (۱۴۰۳). تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد پایداری. *کوش‌های نوین در علوم محاسباتی و مدیریت رفتاری*، ۲(۲)، ۱۶۲-۱۷۴.
- خوشکار، فرزین؛ موسوی زاده، سیده محبوبه و یزدانی نیا، تارا. (۱۳۹۹). رابطه میان در ماندگی مالی با تأخیر گزارش حسابرسی با میانجی‌گری اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و تنوع صاحبکار. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۳(۳۶)، ۱-۱۳.
- زمانی، لیلیا؛ برزویان، صمد و مینایی، سعید. (۱۳۹۸). نقش کمیته حسابرسی در گزارشگری پایداری شرکت‌ها. *پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی عملیاتی و عملکرد*، ۳(۲)، ۱۰۵-۱۳۳.
- فتحی، محمدحسین و کارگر، حامد. (۱۴۰۳). تأثیر مدیریت ریسک کسب‌وکار در ارتقای عملکرد پایداری شرکتی با تأکید بر نقش توانایی مدیریت. *مجله دانش حسابداری*، ۱۵(۳)، ۱۱۱-۱۳۲.

¹ Global Reporting Initiative

² Sustainability Accounting Standards Board

فخاری، حسین؛ ملکیان، اسفندیار و جفایی رهنی، منیر. (۱۳۹۶). تبیین و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکتی به روش تحلیل سلسله‌مراتبی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. *حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۲(۴)، ۱۵۳-۱۸۷.

کنعانی، اکبر و اکبری‌پور دیزج، حسن. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بین پذیرش صاحبکار جدید، کیفیت حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت. *پژوهش‌های حسابداری و حاکمیتی شرکتی*، ۱(۱)، ۱۳۹-۱۶۵.

متوسل، مرتضی؛ طالب‌نیا، قدرت‌الله و یعقوب‌نژاد، احمد. (۱۴۰۰). تأثیر حق‌الزحمه (عادی و غیرعادی) و وابستگی اقتصادی حسابرس بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت طبق نظریه ذینفعان. *نشریه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۶(۱۲)، ۳۴۵-۳۷۱.

محمدی، محمد و کوهساریان، احمدرضا. (۱۴۰۲). تأثیر ویژگی‌های رئیس کمیته حسابرسی بر افشای مشارکت‌های اجتماعی. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۶(۸۶)، ۲۰۲-۲۱۴.

ولی‌زاده لاریجانی، اعظم. (۱۴۰۴). اثر تعدیل‌کنندگی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت با تأخیر در گزارش حسابرسی مستقل. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۷(۱)، ۳۳-۵۴.

References

- Afsay, A. (2024). The effect of financial expertise and experience of the audit committee chair on auditor selection, audit fees, and audit quality. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 21(81), 273–306. [In Persian]
- Ahmed, A., Dhull, S., & Kent, R. (2022). Non-audit services and auditor independence in stable and unstable economic conditions. *Managerial Auditing Journal*, 37(8), 967–992.
- Al Naim, A. S. (2025). Effects of audit committee chair characteristics on audit quality: Empirical evidence from Saudi energy and materials sectors. *Asian Economic and Financial Review*, 15(1), 27.
- Al-Matari, Y. A. (2022). Does the expertise of the audit committee chairperson moderate the association between audit committee attributes and firm performance? *Journal of Governance and Regulation*, 11(4), 365–373.
- Alodat, A. Y., Nobanee, H., Salleh, Z., & Hashim, H. A. (2023). The impact of longer audit committee chair tenure and board tenure on the level of sustainability disclosure: The moderating role of firm size. *Business Strategy & Development*, 6(4), 885–896.
- Al-Sanasleh, A., Jaffar, N., Saidin, S. F., & Al-Nohood, S. (2025). The impact of audit firm industry specialization on the relationship between integrated reporting and sustainability performance: Conceptual paper. *International Journal of Academic Research in Economics and Management Sciences*, 14(1), 173–183.
- Alshamry, H., Ganesan, Y., & Hashim, F. (2024). Audit committee as a corporate governance mechanism with the firm financial performance in Saudi Arabia. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 14(11), 746–763.
- Bello, M. A., & Ogungbenle, S. K. (2023). Influence of perceived economic dilemma on ethical choices of auditors. *Research Journal of Business and Economic Management*, 6(4), 66–73.
- Blay, A. D., Mauler, L., & Nash, J. (2023). Within or across auditors? Understanding knowledge transfer in audit production. *Accounting Horizons*, 37(3), 1–26.
- Broye, G., & Johannes, P. (2023). The desire of prestigious audit committee chairs: What are the benefits for financial reporting quality? *Managerial Auditing Journal*, 38(6), 733–757.

- Buallay, A., & Al-Ajmi, J. (2020). The role of audit committee attributes in corporate sustainability reporting: Evidence from banks in the Gulf Cooperation Council. *Journal of Applied Accounting Research*, 21(2), 249-264.
- Dimitropoulos, P. (2025). EU corporate sustainability performance and qualified audit opinion: The role of audit committee independence. *Managerial Auditing Journal*, 40(2), 153-178.
- Driskill, M. W., Knechel, W. R., & Thomas, E. (2022). Financial auditing as an economic service. *Current Issues in Auditing*, 16(2), 39-50.
- Fakhari, H., Malekian, E., & Jafaei Rahni, M. (2018). Explaining and ranking of the components and indicators of environmental, social and corporate governance reporting by Analytic Hierarchy Process in the companies listed in stock exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 2(4), 153-187. [In Persian]
- Farumi, L., Wahyudi, T., & Khamisah, N. (2023). Influence of audit committee, auditor industry specialization, and audit tenure on audit report lag. *Business Management Analysis Journal*, 6(1), 58-77.
- Fatheh, M. H., & Kargar, H. (2024). The effect of business risk management in improving corporate sustainability performance with an emphasis on the role of management ability. *Journal of Accounting Knowledge*, 15(3), 111-132. [In Persian]
- Fayad, A. A., Khatib, S. F., Alomair, A., & Al Naim, A. S. (2024). Audit chair characteristics and ESG disclosure: Evidence from the Saudi Stock Market. *Sustainability*, 16(24), 11011.
- Gaver, J. J., & Utke, S. (2021). Do seasoned industry specialists provide higher audit quality? A response. *Unpublished manuscript*. Available at SSRN.
- Guo, Q., Koch, C., & Zhu, A. (2022). The value of auditor industry specialization: Evidence from a structural model. *The Accounting Review*, 97(7), 193-222.
- Handayati, P., Tham, Y. H., Yuningsih, Y., Sun, Z., Nugroho, T. R., & Rochayatun, S. (2025). ESG performance and corporate governance—The moderating role of the Big Four auditors. *Journal of Risk and Financial Management*, 18(1), 1-19.
- Herusetya, A., & Natalie, K. (2021). Agresivitas pajak korporasi, perubahan auditor, dan client importance: Bukti empiris di Indonesia. *Jurnal Kajian Akuntansi*, 5(1), 34-48. (In Indonesian)
- Hu, Z., Yang, H., Zhang, Y., & Wang, J. J. (2023). Does common auditor have an impact on corporate tax avoidance? An investigation from the supply chain perspective. *Accounting & Finance*, 63(1), 575-629.
- Ismail, W. A. W., Hashim, M. H., Tjahjadi, B., & Kamarudin, I. R. (2022). Timeliness of financial reporting: The examination of auditor tenure and industry specialization. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 12(1), 385-395.
- Ji, R., Li, L., Li, L. L., & Monroe, G. S. (2024). Does client importance affect key audit matters reporting? New Zealand evidence. *Pacific Accounting Review*, 36(3/4), 277-296.
- Kanani, A., & Akbaripour Dizaj, H. (2022). Investigating the relationship between new client acceptance, audit quality, and auditor expertise in the industry. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 1(1), 139-165. [In Persian]
- Karim, R., Roshid, M. M., Dhar, B. K., Nahiduzzaman, M., & Kuri, B. C. (2024). Audit committee characteristics and sustainable firms' performance: Evidence from the financial sector in Bangladesh. *Business Strategy & Development*, 7(4), 1-13.
- Khaleel, R. A., Aghaei, M. A., Rami, B. K., & Sepasi, S. (2023). Long-term effect of economic status on auditors' professional skepticism. *Periodicals of Engineering and Natural Sciences*, 11(4), 123-132.
- Khemakhem, H., & Fontaine, R. (2019). The audit committee chair's abilities: Beyond financial expertise. *International Journal of Auditing*, 23(3), 457-471.
- Khoshkar, F., Musavizadeh, S. M., & Yazdaninia, T. (2021). Relationship between financial distress and audit report delay mediated by audit firm size, auditor expertise in industry and client diversity. *Journal of Accounting and Management Vision*, 3(36), 1-13. [In Persian]

- Knechel, W. R., & Williams, D. (2023). The effect of client industry agglomerations on auditor industry specialization. *Journal of Accounting Research*, 61(5), 1771–1825.
- Kohlbeck, M., & Wang, L. (2025). Audit committee tenure, financial reporting quality, and auditor independence. *Managerial Auditing Journal*, 40(3), 303–327.
- Kühnen, M. (2018). Social and positive sustainability performance measurement: Theories, conceptual frameworks, and empirical insights. *Unpublished manuscript*.
- Kuzey, C., Elbardan, H., Uyar, A., & Karaman, A. S. (2023). Do shareholders appreciate the audit committee and auditor moderation? Evidence from sustainability reporting. *International Journal of Accounting & Information Management*, 31(5), 808–837.
- La Grange, M., Ackers, B., & Odendaal, E. (2021). The impact of the characteristics of audit committee members on audit committee effectiveness. *Global Business and Economics Review*, 24(4), 409–434.
- Lam, B. M., Mo, P. L. L., & Rahman, M. J. (2024). Secrecy culture, client importance, and auditor reporting behavior: An international study. *Managerial Auditing Journal*, 39(2), 113–137.
- Li, Z., Jia, J., & Chapple, L. (2023). The corporate sustainability committee and its relation to corporate environmental performance. *Meditari Accountancy Research*, 31(5), 1292–1324.
- Lutfi, A., Alkilani, S. Z., Saad, M., Alshirah, M. H., Alshirah, A. F., Alrawad, M., ... & Ramadan, M. H. (2022). The influence of audit committee chair characteristics on financial reporting quality. *Journal of Risk and Financial Management*, 15(12), 563.
- Mahsina, M., Agustia, D., Nasution, D., & Dianawati, W. (2025). The mediating role of risk management in the relationship between audit committee effectiveness and firm sustainability performance. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 25(3), 534–566.
- Mariappanadar, S. (2020). Characteristics of sustainable HRM system and practices for implementing corporate sustainability. In *Sustainable Human Resource Management: Transforming Organizations, Societies and Environment* (pp. 9–35). Springer.
- Miftahadi, M. F., Rachman, I., Matsumoto, T., Kusuda, T., Utomo, T. H. A., Pradipta, A., & Mahardika, S. B. (2022). Corporate sustainability for Indonesia's sustainable society. *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, 1108(1), 012027.
- Mohamadi, M., & Kohsarian, A. (2023). The effect of audit committee chairman's characteristics on the disclosure of social contributions. *Journal of Accounting and Management Vision*, 6(86), 202–214. [In Persian]
- Motavassel, M., Talebnia, G., & Yaghoubnzhad, A. (2022). Effect of normal and abnormal audit fee and audit fee dependence on corporate social responsibility according stakeholder theory. *Journal of Value and Behavioral Accounting*, 6(12), 345–371. [In Persian]
- Novitarini, N. M. A., & Sudana, I. P. (2024). Resource-based view and corporate sustainability performance. *Dinasti International Journal of Education Management & Social Science*, 6(2), 1198–1212.
- Pazienza, M., de Jong, M., & Schoenmaker, D. (2022). Clarifying the concept of corporate sustainability and providing convergence for its definition. *Sustainability*, 14(13), 7838.
- Petrov, E., & Stocken, P. C. (2022). Auditor specialization and information spillovers. *The Accounting Review*, 97(7), 401–428.
- Putri, W. H., Raharti, R., Vitaningsih, C. W., & Sulistyarini, S. (2023). The role of audit committee expertise and sustainability performance in the Indonesian mining industry. *E3S Web of Conferences*, 467, 05004.
- Rahman, M. J., Zhu, H., & Jiang, X. (2024). Family firms, client importance, and auditor reporting behavior: Evidence from China. *Meditari Accountancy Research*, 32(2), 543–578.
- Rahrovi Dastjerdi, A., & Sohrabiani, H. (2025). The effect of the common auditor in supply chain on corporate tax avoidance. *Iranian Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 9(2), 157–174. [In Persian]

- Reidenbach, M. R. (2022). Audit committee chair monitoring incentives to use voluntary disclosure in the audit committee report under high agency conflicts. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 39(4), 1008–1043.
- Sabet Kooshkinian, M. (2025). The impact of corporate governance mechanisms on sustainability performance. *Novel Explorations in Computational Science and Behavioral Management*, 2(2), 162–174. [In Persian]
- Sambuaga, E. A. (2024). The effect of sustainability disclosure and company performance: Profit or image? *JIA (Jurnal Ilmiah Akuntansi)*, 9(1), 35–53.
- Sanoran, K. (2022). Audit partner industry specialization and the cost of debt: Evidence from Thailand. *Journal of International Accounting Research*, 21(3), 127–146.
- Santos, I. B., Pinto, I., & Morais, A. (2023). Audit committee's characteristics and the cost of debt. *Journal of Intercultural Management*, 15(1), 66–93.
- Sawani, A. M. (2021). Audit committee chair characteristics, and auditor dismissal in a going concern context. *International Journal of Accounting & Finance Review*, 7(1), 53–73.
- Sert, O. (2024). The role and functions of the audit committee of the board of directors. *Uzhhorod National University Herald. Series: Law*, 1(83), 391–397.
- Seth, H., & Saxena, A. (2025). Demystifying the nexus of audit committee characteristics and sustainability performance. *Managerial Finance*. (Ahead-of-print)
- Tanyi, P. N., & Smith, D. B. (2015). Busyness, expertise, and financial reporting quality of audit committee chairs and financial experts. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34(2), 59–89.
- Tumwebaze, Z., Bananuka, J., Kaawaase, T. K., Bonareri, C. T., & Mutesasira, F. (2022). Audit committee effectiveness, internal audit function and sustainability reporting practices. *Asian Journal of Accounting Research*, 7(2), 163–181.
- Valizadeh Larijani, A. (2025). The moderating effect of related parties' transactions on the relation between auditor industry specialization with audit report lag. *Financial Accounting and Auditing Research*, 17(1), 33–54. [In Persian]
- Yun, Y. (2024). Auditor behavior of industry specialists who audit clients in industries that require specialization. *Korean Accounting Information Association*, 42(1), 49–73.
- Zahid, R. A., Khan, M. K., Anwar, W., & Maqsood, U. S. (2022). The role of audit quality in the ESG-corporate financial performance nexus: Empirical evidence from Western European companies. *Borsa Istanbul Review*, 22(9), 1–13.
- Zaman, R., Farooq, M. B., Khalid, F., & Mahmood, Z. (2021). Examining the extent of and determinants for sustainability assurance quality: The role of audit committees. *Business Strategy and the Environment*, 30(7), 2887–2906.
- Zamani, L., Borzoiian, S., & Minaei, S. (2020). The role of audit committee attributes in corporate sustainability reporting. *Operational and Performance Research in Accounting and Auditing*, 3(2), 105–133. [In Persian]
- Zhang, L., & Guo, C. (2024). Can corporate ESG performance improve audit efficiency? Empirical evidence based on audit latency perspective. *PLOS ONE*, 19(3), 1–17.